



Evaluation of Developments in the Iran's Banking System in the 2010s and Its Implications for Banking Reform

Mahdi Khoshkhooy

PhD in Economics, University of Tehran.

khoshkhooy@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The Iranian banking system faced various imbalances in the 2010s, most notably a deep asset-liability mismatch. Based on the findings of this study, even according to the official financial statements of banks, it can be said that from the middle of this decade, the banking system—centered around private banks—effectively became insolvent, and by the end of the decade, its capital was completely depleted and turned negative. The evaluation in this study shows that the total imbalance of banks (comprising both hidden and visible imbalances plus the capital required to meet the minimum capital adequacy ratio) under the assumption of an 8% capital adequacy ratio, increased from approximately 600 trillion tomans at the end of 2016 to over 2,220 trillion tomans by the end of 2021. The establishment of private banking under weak monetary-banking governance infrastructure (particularly the lack of appropriate monetary policy and banking supervision), the exacerbation of Dutch disease, and the stabilization of the exchange rate in the second half of the 2000s due to a surge in oil revenues can be considered the main factors leading to the formation of the banking crisis in the 2000s and its continuation into the 2010s. On the other hand, the flawed monetary policies of the 11th administration in Iran since the 1979 revolution, followed by the increased rescheduling of loans, overvaluation of bank assets, passive tolerance of unhealthy and insolvent banks due to weak banking supervision, and the policy of exchange rate stabilization, are assessed as the most significant factors exacerbating the crisis in the 2010s. To properly and decisively address this crisis and resolve the actual imbalances, the establishment of a powerful and independent banking supervisory authority is deemed essential.

Keywords: Banking Crisis, Banking Imbalance, Fictitious Assets, Capital Adequacy, Bank Insolvency, Banking Supervision.

مقاله پژوهشی

ارزیابی تحولات نظام بانکی کشور در دهه ۱۳۹۰ و دلالت‌های آن در اصلاح نظام بانکی

مهدی خوشخوی

دانش آموخته دکتری اقتصاد دانشگاه تهران.

khoshkhooy@gmail.com

id 0000-0000-0000-0000

چکیده:

نظام بانکی ایران در دهه ۹۰ با انواع ناترازی‌ها و در رأس آن ناترازی عمیق دارایی- بدهی مواجه گردید به گونه‌ای که مبتنی بر نتایج مطالعه حاضر، حتی بر اساس صورت‌های مالی اظهاری بانک‌ها می‌توان گفت از نیمه این دهه نظام بانکی - با محوریت بانک‌های خصوصی - عملاً معسر گشته و تا پایان دهه مزبور سرمایه آن به‌طور کامل از بین رفته و منفی گردیده است. ارزیابی این مطالعه نشان می‌دهد حجم کل ناترازی بانک‌ها (متشکل از مجموع ناترازی‌های پنهان و آشکار، بعلاوه سرمایه لازم برای تأمین حداقل کفایت سرمایه) با فرض اعمال کفایت سرمایه ۸ درصد، از حدود ۶۰۰ همت در پایان ۹۵ به بیش از ۲۲۲۰ همت در پایان ۱۴۰۰ رسیده است. تأسیس بانکداری خصوصی در شرایط ضعف در زیرساخت‌های حکمرانی پولی-بانکی (به‌ویژه خلأ سیاست‌گذاری پولی و نظارت بانکی مناسب) و تشدید بیماری هلندی و تثبیت نرخ ارز در نیمه دوم دهه ۸۰ به واسطه جهش درآمدهای نفتی را می‌توان عوامل اصلی زمینه‌ساز شکل‌گیری بحران بانکی در دهه ۸۰ و تداوم آن در دهه ۹۰ دانست. از طرفی سیاست‌های پولی اشتباه دولت یازدهم و در پی آن تشدید امهال مطالبات و بیش‌ارزش‌گذاری مستغلات بانکی، مدارای منفعلانه با بانک‌های ناسالم و معسر در سایه ضعف نظارت بانکی و سیاست تثبیت نرخ ارز، از مهم‌ترین عوامل تشدیدکننده بحران در دهه ۹۰ ارزیابی می‌شود. به‌منظور مواجهه صحیح و قاطع با این بحران و حل و فصل واقعی ناترازی‌ها، استقرار مقام ناظر بانکی مقتدر و مستقل حیاتی می‌نماید.

واژگان اصلی: بحران بانکی، ناترازی بانکی، دارایی موهومی، کفایت سرمایه، اعسار بانکی، نظارت بانکی.



دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.497731.1094

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

ارزیابی وضعیت شاخص‌های کلان اقتصاد و حوزه کسب‌وکار در سال‌های اخیر حاکی از آن است که اقتصاد کشور در مسیری ناهموار و وضعیتی شکننده قرار گرفته است. طبق گزارش بانک مرکزی^۱، طی دوره‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ متوسط رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه حدود ۰/۵ درصد بوده و حجم سرمایه‌گذاری جدید عموماً از میزان استهلاک سرمایه موجود تجاوز ننموده است. از طرفی نرخ تورم سالیانه در سال‌های اخیر با تغییر کانال به محدوده ۴۰ درصد انتقال یافته است و شاخص فلاکت نیز روند مساعدی نداشته و از ۵۴ واحد گذر کرده است.

بررسی‌ها در خصوص علل بروز و تداوم نابسامانی‌ها در اقتصاد ایران نشان می‌دهد تأثیر نابسامانی‌های بخش پولی و بانکی کشور بر نابسامانی اقتصاد کلان کاملاً جدی و محوری است؛ هرچند بخشی از مسائل نظام بانکی نیز تا حدی زیادی با سایر بخش‌های اقتصاد کشور درهم‌تنیده و مرتبط است. در همین راستا آیت‌الله‌خامنه‌ای از اواسط دهه ۹۰ اصلاح فوری نظام بانکی و رفع چالش‌های آن را به‌عنوان یکی از مسائل اصلی اقتصاد کشور برشمرده و رفع آن‌ها را لازمه اصلاح و بهبود وضعیت اقتصاد کشور مطرح نمودند و این موضوع را به‌عنوان یکی از مأموریت‌های اصلی سه قوه ابلاغ و از اوایل سال ۱۳۹۷ نیز با تأسیس شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا به ریاست رئیس‌جمهور، بستر لازم برای تحقق این مهم را فراهم نمودند.

حل مسائل اقتصاد کلان و نظام بانکی کشور مستلزم درکی دقیق نسبت به عوامل زمینه‌ای و تشدیدکننده این مسائل است. از طرفی بررسی‌ها حاکی از آن است تحلیل وقایع و سیاست‌های اقتصادی در دو دهه اخیر به‌ویژه در دهه ۱۳۹۰، در ریشه‌یابی و درک پیچیدگی‌های مسائل اقتصاد کلان و نظام بانکی کشور بسیار تعیین‌کننده است. ازاین‌رو این مطالعه به دنبال ارائه تحلیلی دقیق نسبت به تحولات نظام بانکی، سیاست‌های مورد اتخاذ و روند طی شده در دهه ۹۰ به‌منظور دستیابی به درکی فنی از ابعاد گسترده این موضوع در اقتصاد ایران بوده و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی مسائل این حوزه در دهه ۹۰ می‌پردازد. برای این منظور پس از مرور پژوهش‌های مرتبط و ادبیات موضوع، در

^۱. رجوع شود به: <https://www.cbi.ir/showitem/29995.aspx>

بخش سوم به ارزیابی وضعیت شاخصه‌های مختلف نظام بانکی کشور در دهه ۹۰ پرداخته، سپس در بخش چهارم عوامل مؤثر بر وضعیت نظام بانکی مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد و در بخش پنجم، دلالت‌های مهم سیاستی برای مواجهه صحیح و اصولی با مسائل نظام بانکی ارائه می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات کاربردی معدودی را می‌توان یافت که اهدافی مشابه اهداف مطالعه حاضر را دنبال نموده باشند. در جدول شماره (۱) برخی از مطالعات مرتبط و نیز مشابه با موضوع مطالعه حاضر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

جدول ۱: پیشینه موضوع

ردیف	اطلاعات پژوهش	خلاصه پژوهش
۱	آری ^۱ و همکاران (۲۰۲۱)	این مطالعه به بررسی داده‌های ۹۲ بحران بانکی از سال ۱۹۹۰ و پویایی‌های مطالبات غیرجاری در آن‌ها می‌پردازد. بر این اساس از منظر ایجاد مطالبات غیرجاری شباهت‌هایی در بین بحران‌ها مشاهده می‌شود هرچند از منظر سرعت حل‌وفصل آن‌ها تفاوت دارند. نتایج نشان می‌دهد مطالبات غیرجاری بالا و حل‌نشده باعث تشدید و تعمیق رکود پس از بحران بانکی می‌شود.
۲	دایمر و والمر ^۲ (۲۰۱۵)	این مطالعه به بررسی مسئله حل‌وفصل بحران بانکی بر اساس تجارب کشورهای ژاپن و اروپای شمالی پرداخته و حل‌وفصل بحران بانکی را به‌عنوان یک فرایند زمان‌بر و پرهزینه از منظر مالی و اجتماعی معرفی می‌نماید. نتایج نشان می‌دهد این‌گونه نیست که بهترین بسته حل‌وفصل بحران قابل ارائه باشد؛ ضمن اینکه هرگونه تأخیر و ناهماهنگی در اجرای این سیاست، مسئله را تعمیق و دوچندان می‌کند. در نهایت بر اساس تجارب مواجهه با بحران بانکی در کشورهای مذکور، چهارچوبی برای استفاده در آمریکا و اروپا ارائه می‌شود.
۳	لاون و والنسیا ^۳ (۲۰۱۲)/(۲۰۲۰)	این مطالعه به بررسی ۱۲۹ بحران بانکی پرداخته که در ۴۵ مورد آن رشد شدید اعتبارات قبل از وقوع بحران رخ داده است.

۱. Ari

۲. Diemer and Vollmer

۳. Laeven and Valencia

ردیف	اطلاعات پژوهش	خلاصه پژوهش
		بر اساس نتایج آن، اثرات بحران بانکی بر افت تولید و رشد بدهی عمومی در کشورهای توسعه یافته به علت عمق بیشتر نظام مالی و بانکی، بیش از سایرین بوده است؛ در حالی که متوسط افت تولید کشورها در اثر وقوع بحران، ۲۵٪ ارزیابی شده است. مطالعه (۲۰۲۰) با تکمیل مطالعه (۲۰۱۲) و تطابق تاریخ‌های بحران بانکی و بحران‌های ارزی و بدهی دولتی، نشان می‌دهد بدهی‌های دولتی و بحران‌های ارزی توأم با بحران بانکی یا به دنبال آن رخ داده‌اند.
۴	چنارانی و همکاران (۱۴۰۲)	این مطالعه ضمن تبیین بحران بانکی موجود و ابعاد آن، با برآورد حدودی دارایی‌های موهومی نظام بانکی کشور و تخمین ناترازی نظام بانکی؛ در چهارچوب یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی آثار آن را بر روی متغیرهای کلان اقتصاد بررسی می‌نماید. نتایج مطالعه نشان‌دهنده افت شدید رشد اقتصادی و افزایش نوسانات اقتصادی در اثر بحران ناترازی بانکی است. در نهایت، کاهش تشکیل سرمایه، افزایش تورم و افزایش هزینه دستمزد و هزینه سرمایه بنگاه باعث افت در نرخ رشد اقتصادی کشور شده است.
۵	صادقی (۱۴۰۱)	هدف مطالعه، بررسی عوامل تعیین‌کننده ریسک سیستمی در بانک‌های ایران با تمرکز بر خلق نقدینگی و ساختار ترازنامه بانک‌ها طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۴۰۰ عنوان شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد افزایش خلق نقدینگی در ترازنامه بانک‌ها سبب افزایش آسیب‌پذیری بانک‌ها شده است. در سمت دارایی ترازنامه بانک‌ها، نگهداری دارایی‌های غیرنقدی به‌طور معناداری ریسک سیستمی بانک‌ها را افزایش داده، درحالی‌که در سمت بدهی‌ها، نگهداری سپرده‌های دیداری باعث ریسک سیستمی و شکنندگی نظام بانکی شده است. بعلاوه هرچه در بانک‌ها، اندازه بزرگ‌تر، فعالیت‌های غیرسنتی (درآمد غیربهره‌ای) بیشتر و نسبت مطالبات غیرجاری بالاتر باشد، ریسک سیستمی به‌طور محسوسی افزایش می‌یابد؛ درحالی‌که هرچه کفایت سرمایه بالاتر باشد، ریسک سیستمی کاهش می‌یابد.
۶	مرکز پژوهش‌های	بررسی‌های این مطالعه حاکی از آن است که در اواسط دهه ۹۰

ردیف	اطلاعات پژوهش	خلاصه پژوهش
	مجلس (۱۴۰۰)	شکاف بین دارایی و بدهی شبکه بانکی، چندین برابر کل سرمایه آن‌ها تخمین زده می‌شود؛ هرچند این به معنای اعسار ترانزنامه‌ای کلیه بانک‌های کشور نیست. بر اساس نتایج این مطالعه، قواعد بازی معیوب و کنترل نشده در تعیین نرخ بهره بانکی در کنار رویکرد انقباضی دولت در سال ۱۳۹۲، موجب شد نرخ بهره بانکی علی‌رغم کاهش رشد عوامل تعیین‌کننده ارزش دارایی‌های بانک، کاهش نیابد.
۷	شاهچرا و طاهری (۱۳۹۶)	این پژوهش با استفاده از شاخص خلق نقدینگی برگر و باومن (۲۰۰۹) و نسبت تأمین مالی پایدار بال ۳ (کمیت به بال، ۲۰۰۹) به بررسی وضعیت این دو متغیر در شبکه بانکی کشور ایران و ارتباط میان نسبت تأمین مالی پایدار و خلق نقدینگی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد نسبت تغییر در تأمین مالی پایدار اثرات مثبت و معناداری بر خلق نقدینگی در شبکه بانکی کشور دارد.
۸	دادگر و نظری (۱۳۹۴)	این مطالعه به بررسی میزان اثربخشی سیاست‌های پولی (با در نظر گرفتن شرایط اقتصاد نفتی) بر تولید ناخالص داخلی ایران و تحلیل سیاست‌های بانک مرکزی در دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۰ در یک مدل اقتصادی با به‌کارگیری روش VECM و داده‌های فصلی می‌پردازد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که سیاست پولی با وجود ایجاد نوسانات مختلف، در مقایسه با سیاست مالی تأثیر معنی‌داری بر تولید و اقتصاد ملی نداشته است.
۹	رسولی و مجیدی (۱۳۹۴)	این مطالعه حاکی از آن است که نسبت مطالبات غیرجاری به کل مانده مصارف در بانک‌های ایران حدود سه تا چهار برابر استانداردهای جهانی بوده و حجم معوقات بانکی باعث بلوکه شدن ۲۰٪ نقدینگی کشور گردیده است. لذا با بررسی دلایل ایجاد مطالبات غیرجاری در بانک‌ها به این نتیجه می‌رسد که دلیل عمده شکل‌گیری وضعیت کنونی، انحراف‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های اشتباه و همچنین نبود سازوکارهای قانونی مناسب بوده است.

۲. مروری بر ادبیات موضوع

قبل از بررسی وضعیت نظام بانکی در دهه ۹۰، ابتدا چند مفهوم کلیدی که درک دقیق نسبت به آن‌ها ضروری می‌نماید، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. مفهوم بحران بانکی

منظور از بحران بانکی، بحران بانکی سیستمیک^۱ است؛ که طبق تعریف بانک جهانی^۲ یعنی شرایطی که در آن تعداد زیادی از بانک‌های یک کشور به‌طور هم‌زمان دچار اعسار جریان نقدی یا اعسار ترازنامه‌ای باشند. به‌طور مشخص بحران بانکی سیستمیک شرایطی است که نکول در بخش‌های مالی و شرکتی به میزان زیادی وقوع یابد و نهادهای مالی و شرکت‌ها در پرداخت قراردادهای با مشکل مواجه شوند. در نتیجه وام‌های غیرجاری (NPLs) به یک‌باره افزایش یافته و تمام یا بخش اعظم سرمایه سیستم بانکی از میان خواهد رفت. این شرایط ممکن است با کاهش قیمت دارایی‌ها، افزایش شدید نرخ بهره و کاهش یا منفی شدن حساب سرمایه همراه باشد.

چادرن و هان^۳ (۲۰۱۴) معتقدند هیچ تعریف دقیق مورد اجماعی از بحران بانکی وجود ندارد. چرا که این وضعیت سرمایه نظام بانکی است که محوری‌ترین معیار برای اعسار ترازنامه‌ای محسوب می‌شود، اما نمی‌توان گفت دقیقاً از بین رفتن چه میزان از سرمایه را باید بحران بانکی دانست. از منظر لاون و والنسیا (۲۰۱۰) که در گزارش صندوق بین‌المللی پول بررسی مفصلی برای تعیین شاخص‌های بحران‌های بانکی انجام داده‌اند، شرط کافی برای اینکه یک بحران را سیستمیک بنامیم آن است که نظام بانکی به واسطه سهم بیش از ۲۰ درصدی مطالبات غیرجاری (NPLs) و یا بسته شدن بانک‌ها، به میزان بیش از ۲۰ درصد دارایی کل خود دچار زیان گردد یا اینکه هزینه‌های مالی بازسازی بانک‌ها بیش از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی باشد. برخی مطالعات نظیر کرایگ^۴ (۲۰۰۴) به ارزیابی هزینه بحران‌های تجربه‌شده در کشورهای مختلف برحسب نسبتی از تولید ناخالص داخلی آن کشور مبادرت ورزیده‌اند که در جدول شماره (۲) آمده است.

1. Systemic

2. <https://www.worldbank.org/en/publication/gfdr/background/banking-crisis>

3. Chaudron and Haan

4. Craig

جدول ۲: هزینه بحران‌های مالی کشورهای مختلف برحسب GDP از دست رفته

کشور	دوره زمانی	هزینه (درصد)	کشور	دوره زمانی	هزینه (درصد)
فنلاند	۱۹۹۱-۹۳	۱۱	ترکیه	۲۰۰۰-۲۰۰۳	۳۱
ونزوئلا	۱۹۹۴-۹۵	۱۲	تایلند	۱۹۹۷-۲۰۰۰	۳۵
مکزیک	۱۹۹۴-۹۵	۱۹	اکوادور	۱۹۹۸-۲۰۰۱	۲۲
اندونزی	۱۹۹۷-۲۰۰۰	۵۲	آرژانتین	۲۰۰۱-۲۰۰۳	۲۲
کره جنوبی	۱۹۹۷-۲۰۰۰	۲۳			

منبع: (Craig, 2004)

به‌طور کلی بحران بانکی در دو حالت رخ می‌دهد. حالت اول زمانی است که دارایی‌های بانکی به‌صورت ناگهانی کاهش پیدا می‌کند. معمولاً با بروز ناگهانی بحران در کشور و حاکم شدن رکود شدید در آن، ارزش دارایی‌های کشور و در واقع ارزش دارایی‌های سیستم بانکی به‌صورت ناگهانی کاهش پیدا می‌کند. در نتیجه با کاهش سمت دارایی ترازنامه بانک‌های کشور، ناترازی در شبکه بانکی به وجود می‌آید. بحران‌های بانکی که در کشورهای مختلف اتفاق افتاده است همه از همین نوع است. در واقع در این حالت از بحران بانکی در عین حالی که شبکه بانکی کشور تراز است و بحرانی در آن وجود ندارد، اما به دلیل وارد شدن یک شوک شدید به اقتصاد، ترازنامه بانک‌ها ناتراز می‌شود.

حالت دیگر از بحران بانکی - که تقریباً مخصوص کشور ماست - پیشی‌گرفتن سرعت افزایش بدهی نسبت به دارایی در طول زمان و به دلیل خلق پول بی‌ضابطه و نبود نظارت دقیق بر روی بانک‌ها است. در واقع در این حالت، معضل بحران بانکی، ریشه در کژکارکردی مدید سیستم بانکی و فقدان قوه حکمرانی و نظارتی بر نحوه عملکرد بانک‌ها از جمله در تعیین نرخ بهره بانکی دارد. عموماً نرخ بهره بالا و رویه دائمی سیستم بانکی در شناسایی سودها و دارایی‌های موهومی^۱ و به تعویق افتادن توقف این روند و نهایتاً بزرگ‌تر شدن ابعاد

^۱. Fictitious Assets

آن در شرایط عدم مداخله‌گری مؤثر دستگاه نظارتی، شیوه بروز اعسار بانکی در این حالت را ایجاب می‌نماید.^۱

۲-۲. مفهوم ناترازی بانکی

بانک‌ها در حوزه عملیات بانکی با سه چرخه مواجه‌اند که تعادل عملیات بانکی به تعادل این چرخه‌ها وابسته است:

۱. جریان وجوه نقد^۲ (ورود و خروج ذخایر)^۳؛

۲. جریان سودآوری (درآمد و هزینه)؛

۳. وضعیت ترازنامه (ارزش دارایی و بدهی).

متناسب با هر یک از این جریانات در عملیات بانکی، مفهوم ناترازی در نظام بانکی قابل طرح و بررسی است که در ادامه به توضیح اجمالی هر یک پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. ناترازی در جریان وجوه نقد (Cash-flow/Liquidity Insolvency)

جریان وجوه نقد بانک با ورود و خروج ذخایر (پایه پولی) صورت می‌گیرد؛^۴ مقصود از ناترازی در جریان وجوه نقد البته کسری نقدینگی در یک یا چند روز نیست. بلکه مقصود زمانی است که کسری ذخایر بانک مزمن می‌شود که در این صورت نیازمند درمان و حل مشکل است. تداوم کسری نقدینگی بانک یا کسری ساختاری ذخایر، به دو علت روی می‌دهد: یکی کیفیت پایین دارایی‌ها و عدم افزایش سرمایه نقدی (نکول تسهیلات و ارزش

^۱. این حالت از بحران سیستمیک بانکی بطور خاص در ایران اتفاق افتاده است و توضیحات بیشتر در این خصوص در بخش چهارم مقاله ارائه خواهد شد.

^۲. Cash flow

^۳. Reserve

^۴. جریان وجوه نقد (خروج/ورود ذخایر از/به بانک) از کانال‌های زیر می‌تواند صورت گیرد:

ورود ذخایر	خروج ذخایر
جذب سپرده	خروج سپرده
بازپرداخت تسهیلات از سوی مشتریان	باز پرداخت بدهی به سایر بانک‌ها
فروش دارایی	بازپرداخت بدهی بانک به بانک مرکزی
آورده نقدی سهامداران	پرداخت بدهی بانک به دولت
ورود منابع نقد	(خروج منابع نقد)
	خالص موجودی ذخایر

پایین داری‌ها) که مهم‌ترین منبع ورود جریان وجوه نقد هستند و دیگری رشد بالای تسهیلات‌دهی بانک (بیشتر از سهم بازار) که منجر به سبقت خروج سپرده از ورود سپرده خواهد شد. در حالتی که یک بانک با این مسئله مواجه گردد، با مراجعه به بازار بین بانکی و مشروط بر خوش حساب بودن نزد مابقی بانک‌ها می‌تواند برطرف گردد؛ اما در حالتی که شبکه بانکی دچار کسری مداوم در جریان وجوه نقد گردد، - که عموماً ناشی از عقب ماندن رشد پایه پولی از رشد نقدینگی است - مسئله متفاوت خواهد بود و دیگر بازار بین بانکی نمی‌تواند رافع مشکل باشد. در چنین شرایطی بانک‌ها اقدام به خلق نقدینگی کرده و پایه پولی موجود در سیستم برای تأمین سپرده قانونی، کفایت نمی‌کند. لذا پایه پولی چه با همراهی و چه با اکراه بانک مرکزی رشد خواهد نمود.

۲-۲-۲. ناترازی در جریان درآمد-هزینه (Profit-making Insolvency)

جریان سودآوری بانک به توازن درآمدها و هزینه‌های بانک‌ها مربوط می‌شود.^۱ بانک نیز همچون سایر شرکت‌ها با هدف پیشینه‌سازی سود خود در چهارچوب مقررات و قوانین، فعالیت می‌کند و پایداری سودآوری بانک (تعادل درآمد و هزینه) یکی از چرخه‌هایی است که در مدیریت بانک باید مورد توجه قرار گیرد. اگر بانک در یک دوره و موقتاً به هر دلیل - از جمله مخاطرات اقتصاد کلان یا شوک از ناحیه مشتریان بانک - دچار زیان‌دهی شود، حساب سرمایه می‌تواند زیان موقت را پوشش دهد. چرا که حساب سرمایه بانک مکانیسمی برای هموارسازی سود بانک است؛ اما ناترازی و عدم تعادل در جریان درآمد- هزینه بانک زمانی به‌عنوان یک مسئله حاد قلمداد می‌شود که بانک به‌صورت مستمر و مزمّن برای چندین دوره

۱. جریان سودآوری (درآمدها و هزینه‌های بانک) در قالب جدول زیر قابل ارزیابی است:

هزینه‌ها	درآمد
هزینه سود سپرده	درآمد سود تسهیلات
هزینه اداری و کارکنان	درآمد سرمایه‌گذاری
هزینه مالی	درآمد کارمزدی
هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول	درآمد حاصل از فروش دارایی
هزینه کارمزدی	
(هزینه‌ها)	درآمدها
سود	

با شکاف درآمد- هزینه مواجه گردد که در این صورت به ناترازی دارایی- بدهی در ترازنامه بانک انجامیده و نیازمند تدبیری اساسی است.

۲-۳. ناترازی دارایی - بدهی (Balance-sheet/Normal Insolvency)

ترازنامه بانک نمایانگر میزان تعادل در ارزش دارایی و بدهی‌های بانک و کفایت سرمایه بانک برای تضمین عدم سرایت زیان به سپرده‌گذاران می‌باشد. در شرایطی که ارزش دارایی‌ها کمتر از ارزش بدهی‌ها و تعهدات بانک باشد به نحوی که حتی حقوق صاحبان سهام بانک نیز کفایت جبران این کسری را نکند (سرمایه بانک منفی گردد)، بانک با ناترازی دارایی- بدهی (شکاف ترازنامه‌ای) و ورشکستگی مواجه گردیده است.^۱ کیفیت ارزش‌گذاری دارایی‌های بانک در ترازنامه مهم‌ترین و تعیین‌کننده عامل در ارزیابی دقیق میزان ناترازی بانک‌هاست.^۲ بانک‌ها همواره انگیزه دارند تا ارزش دارایی‌ها را بالاتر از حد واقع نشان دهند و یکی از اهداف مهم نظارت در لایه‌های مختلف (نظیر حسابرسی صورت‌های مالی، نظارت بانک مرکزی و نظارت عمومی) واقع‌نمایی در ارزش‌گذاری دارایی‌های بانک‌ها می‌باشد. غیرواقع‌نمایی ارزش دارایی‌ها توسط بانک‌ها که با انگیزه پنهان کردن و عدم شناسایی زیان در سایه ضعف در نظام حسابرسی و نظارتی حاکم بر شبکه بانکی اتفاق می‌افتد، منجر به شکل‌گیری دارایی‌های موهومی و به تبع سود موهومی در صورت‌های مالی بانک‌ها می‌شود.

۱. اقلام کلی مربوط به ترازنامه یک بانک به شرح جدول زیر قابل ذکر است:

دارایی	بدهی
تسهیلات	سپرده
اوراق بهادار	بدهی به بانک مرکزی
ذخایر نقد	بدهی به سایر بانک‌ها
دارایی ثابت	
مطالبات از سایر بانک‌ها و بانک مرکزی	
دارایی‌ها	(بدهی‌ها)
	حقوق صاحبان سهام

۲. ارزش‌گذاری تسهیلات به کیفیت بازپرداخت آن وابسته است و ریسک اعتباری مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در ارزش تسهیلات است. ارزش‌گذاری اموال و دارایی‌های ثابت بانک به دلیل ناهمگنی شدید توسط کارشناس رسمی حسابرسی و تعیین می‌شود و با توجه به عدم شفافیت و شخص‌محور بودن این ارزیابی‌ها در صورت عدم تمهید، می‌تواند با اختلاف‌های فاحش نسبت به ارزش واقعی اموال مواجه گردد.

این دست‌کاری در ارزش‌گذاری دارایی‌ها موجب می‌شود تا برای محاسبه عمق واقعی ناترازی‌ها، برآورد دارایی‌های موهومی نیز لازم گردد.

۳-۲. دیگر مفاهیم و شاخص‌های کلیدی بانکی

مفاهیم و شاخص‌های مالی متعددی تاکنون به منظور ارزیابی وضعیت بانک‌ها و سیستم بانکی در ادبیات این حوزه مطرح شده است از جمله: نسبت کفایت سرمایه، بدهی بانک به بانک مرکزی، نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات، نسبت بازده دارایی، نسبت حاشیه سود، نسبت دارایی و بدهی بهره‌ای، حجم ذخایر مازاد، نسبت پرداخت بهره سپرده به کل افزایش سپرده، نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی، سهم پول و شبه پول از نقدینگی و ... که علی‌رغم استفاده از برخی از این مفاهیم و شاخص‌ها در مطالعه حاضر، با توجه به آشنایی عموم مخاطبان با مفاهیم مذکور، از توضیح آن‌ها خودداری می‌گردد.

۳. ارزیابی وضعیت نظام بانکی در دهه ۹۰

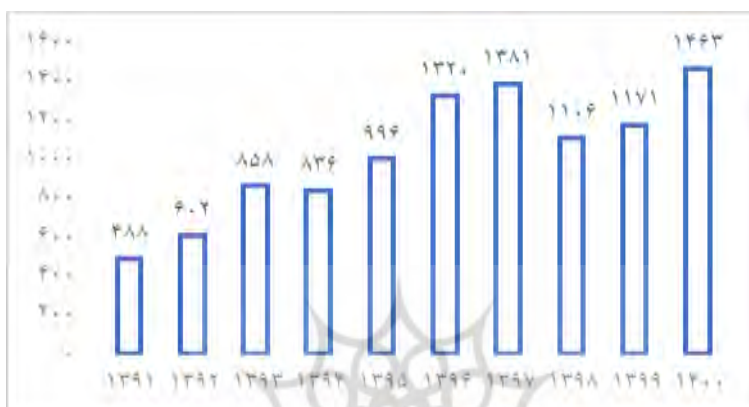
به منظور ارزیابی وضعیت نظام بانکی کشور در دهه ۹۰، وضعیت شاخص‌های کلیدی پولی-بانکی در طول این دهه با توجه به انواع ناترازی‌ها و شاخص‌های کلیدی بانکی که در بخش قبل مرور گردید، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳-۱. وضعیت ناترازی در جریان وجوه نقد

مبنای اصلی بررسی ناترازی وجوه نقد در شبکه بانکی را باید میزان اضافه برداشت بانک‌ها از ذخایر بانک مرکزی دانست؛ اما به دو علت استفاده از این شاخص مبنا قرار نمی‌گیرد: اولاً، داده‌های مربوط به این شاخص به صورت عمومی منتشر نمی‌شود و عمدتاً در قالب گزارشات محرمانه و بعضاً غیررسمی و غیرسازمان‌یافته انتشار می‌یابد. از این رو این داده‌ها قابلیت استناد و استفاده ندارد؛ ثانیاً، بر اساس گزارشات متعدد بانک مرکزی^۱، در دهه ۹۰ به کرات اضافه برداشت بانک‌ها تبدیل به خط اعتباری گردیده است و حتی در صورت دسترسی، این داده‌ها از وثوق و صحت کافی برخوردار نیست. از این رو برای ارزیابی میزان ناترازی در جریان وجوه نقد بانک‌ها از سرفصل بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی استفاده می‌گردد که اعم از اضافه

^۱. از جمله رجوع شود به گزارش رئیس کل بانک مرکزی در افتتاحیه همایش بانکداری اسلامی در شهریور ۱۴۰۲

برداشت است. اگر برخی از بانک‌ها خالص جریان وجوه نقد مثبت داشته باشند و برخی منفی، اگرچه ناترازی جریان وجوه نقد در برخی از بانک‌ها وجود دارد اما این ناترازی منجر به افزایش بدهی نظام بانکی به بانک مرکزی نخواهد شد. از طرفی اگرچه افزایش مانده بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی دال بر ناترازی جریان وجوه نقد است، اما کاهش یا صفر بودن آن لزوماً به معنای تراز بودن جریان وجوه نقد در همه بانک‌ها نیست.



نمودار ۱: روند بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (هزار میلیارد ریال)

منبع: گزیده آمارهای اقتصادی بانک مرکزی

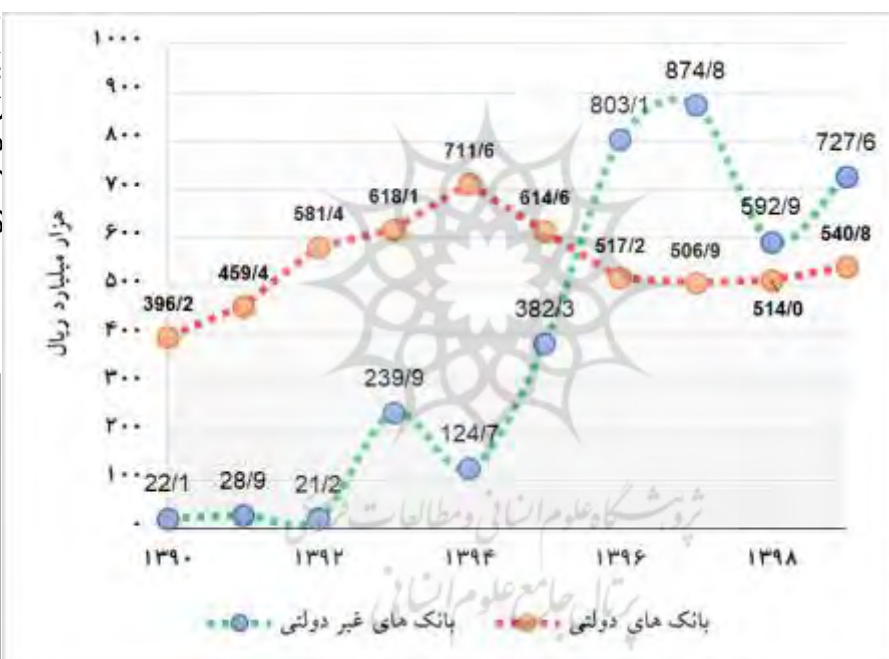
نمودار شماره (۱) تغییرات بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی را طی دهه ۹۰ نشان می‌دهد. همان‌طور که پیداست، این شاخص از حدود ۴۹ همت در ابتدای دهه به بیش از ۱۳۲ همت در سال ۱۳۹۶ رسیده و پس از آن با کاهش موقت در سرعت رشد آن، به ۱۴۶ همت در انتهای دهه رسیده است.

از سال ۱۳۹۲ بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی روند صعودی داشته و خود به مهم‌ترین عامل رشد پایه پولی تبدیل شده است. در سال‌های ۹۸ و ۹۹ به دلیل اینکه پایه پولی برای پوشش کسری بودجه، رشد بالایی را تجربه کرده است و از رشد نقدینگی پیشی گرفته، عملاً بانک‌های با جریان وجوه منفی از بازار بین بانکی این کسری را جبران و حتی بخشی از بدهی پیشین خود به بانک مرکزی را نیز تسویه کرده‌اند. لذا در این بازه به دلیل رشد پایه پولی، بروز

۱. به منظور درک دقیق روند این شاخص، باید مقادیر آن در سال‌های بعد نیز مورد توجه قرار گیرد. این شاخص با جهشی قابل توجه، در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به ترتیب به بیش از ۳۹۱ و ۷۷۱ همت رسیده است؛

و ظهور ناترازی جریان وجوه نقد بانکها از بانک مرکزی به بازار بین بانکی منتقل شده است.^۱

نمودار شماره (۲) روند تغییرات بدهی بانکهای دولتی و غیردولتی به بانک مرکزی را در دهه ۹۰ نشان می‌دهد. داده‌ها حاکی از آن است که بدهی بانکهای غیردولتی به بانک مرکزی - علی‌رغم ثابت بودن تعداد این بانکها - از سال ۱۳۹۲ با جهشی محسوس نسبت به بدهی بانکهای دولتی مواجه بوده و تا سال ۹۹ افزایشی ۳۳ برابری را تجربه نموده است.^۲ از طرفی بدهی بانکهای دولتی به بانک مرکزی که به‌نوعی بدهی دولت به بانک مرکزی و استقراض غیرمستقیم دولت از آن محسوب می‌شود، رشد اندکی را ثبت نموده است.



نمودار ۲: بدهی بانکها به بانک مرکزی به تفکیک دولتی و غیردولتی

منبع: گزیده آمارهای اقتصادی بانک مرکزی

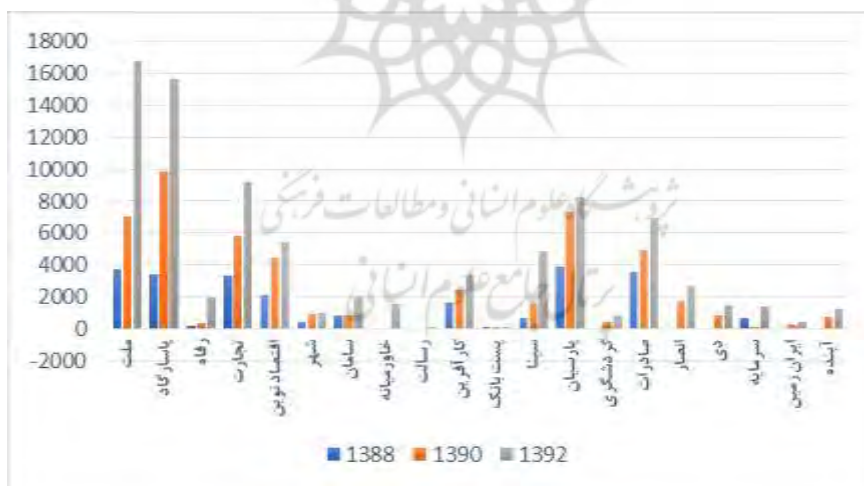
^۱. از سال ۱۴۰۰ با پیگیری سیاست کنترل ترازنامه بانکها توسط بانک مرکزی، هرچند رشد نقدینگی روندی کاهنده به خود گرفته، اما با محدودیت انبساط ترازنامه بانکها، کسری گسترده وجوه نقد بانکهای معسر بیش از پیش بروز یافته و نمود آن در افزایش شدید در اضافه برداشت از بانک مرکزی و رشد ۵ برابری بدهی بانکها به بانک مرکزی طی سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ خود را نشان داده است.

^۲. در خصوص علت این امر، در بخش چهارم مقاله توضیحاتی ارائه خواهد شد.

۲-۳. وضعیت ناترازی در جریان درآمد- هزینه

به منظور ارزیابی وضعیت جریان سودآوری نظام بانکی، باید به بررسی شاخص سود/زیان بانک‌ها پرداخت که از صورت‌حساب سود و زیان هر بانک قابل احصا است (برخلاف شاخص بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی که از داده‌های بانک مرکزی نیز به دست می‌آید). از این رو در صورت عدم استقرار استانداردهای حسابداری، مالی، نظام حسابرسی و نظارتی مناسب در شبکه بانکی، شاخص دقیق و بدون تورشی نخواهد بود. چرا که با برخی تکنیک‌های حسابداری و مالی نظیر ثبت معاملات صوری در صورت‌های مالی قابل دستکاری و غیرواقع‌نمایی است. از طرفی این شاخص از نوع جریان^۱ است و ناظر به دوره‌ای مشخص بوده و در انتهای هر دوره قابل محاسبه است.

بررسی داده‌های مربوط به سود/زیان خالص بانک‌های کشور در اوایل دهه ۹۰ مبتنی بر صورت‌های مالی انتشار یافته حاکی از آن است که عموم بانک‌ها تا سال ۹۲ در وضعیت سوددهی به سر می‌بردند. نمودار شماره (۳) داده‌های مربوطه را برای سال‌های ۸۸، ۹۰ و ۹۲ برای بانک‌هایی که تاکنون در بورس یا فرابورس پذیرفته شده‌اند را نشان می‌دهد. سایر بانک‌ها نیز وضعیتی تقریباً مشابه را داشته‌اند.



نمودار ۳: وضعیت سود/زیان خالص بانک‌های بورسی در اوایل دهه ۹۰ (میلیارد ریال)

منبع: صورت‌های مالی بانک‌ها

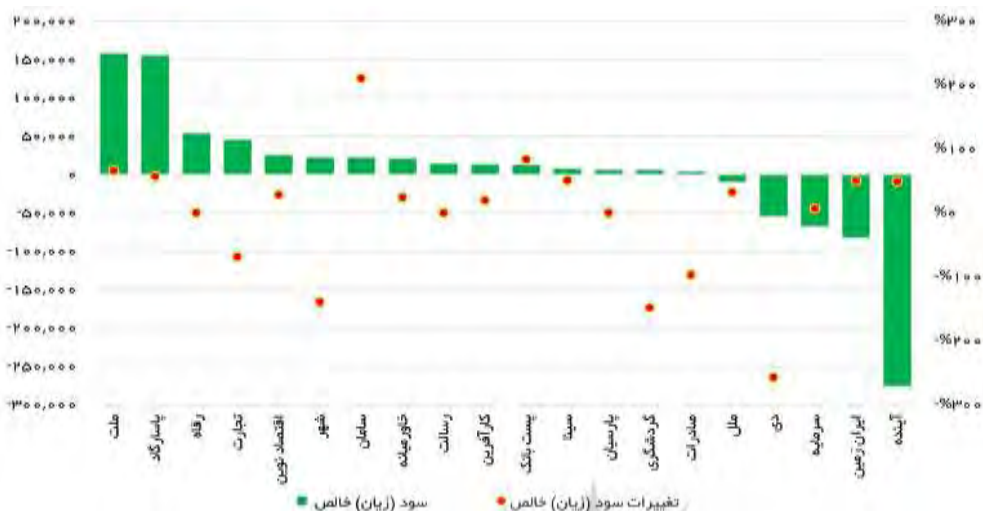
پس از این دوره با اوج‌گیری رکود اقتصادی، مسئله سودآوری بانک‌ها با مشکل اساسی مواجه گردید و در ادامه با افزایش مطالبات معوق از یک طرف و بالا رفتن نرخ سود سپرده‌ها - که بخش زیادی از سود بانک‌ها را می‌بلعید - از طرف دیگر، سیستم بانکی به سمت کاهش سود و تولید زیان حرکت کرد. طبق برخی گزارشات و شواهد^۱ در این برهه بانک‌ها برای اینکه سودی را شناسایی کنند به اقداماتی غیراصولی روی آوردند از جمله اینکه بعضاً به دلیل رکود بازار، بخشی از زمین‌های خود را به نرخ توافقی با یکدیگر معاوضه کرده تا تفاضل قیمت روز با قیمت دفتری را به‌عنوان درآمد شناسایی کنند. در نهایت آنچه به‌عنوان سود در حساب‌ها ثبت می‌گردید، سود ناشی از فروش دارایی‌ها بود؛ زیرا بانک به لحاظ عملیاتی سودی نداشت و در اغلب بانک‌ها، در برهه‌هایی سودی که به سپرده‌ها پرداخت می‌شد از مجموع سود عملیاتی ناشی از اعطای تسهیلات، سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها و دریافت جرائم، بیشتر بود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد حتی با وجود این قبیل اقدامات، سود خالص بانک‌های بورسی و فرابورسی از سال ۹۲ تا ۹۴ مجموعاً ۱۴۰ درصد کاهش یافته و عملاً هشت بانک بورسی - از جمله بانک‌های ملت و تجارت - زیان‌ده شده‌اند. بانک‌های غیربورسی نیز عمدتاً از این روند مستثنا نبوده‌اند. این وضعیت زیان‌دهی در نظام بانکی با فراز و نشیب‌هایی تا پایان دهه ادامه یافته است. نمودار شماره (۴) وضعیت سود/زیان خالص بانک‌های حاضر در بازار سرمایه را در سال ۱۴۰۰ به همراه تغییرات آن نسبت به سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. به عنوان نمونه رجوع شود به اظهارات مدیرعامل اسبق بانک تجارت به آدرس:

<https://kayhan.ir/00005Z>



نمودار ۴: وضعیت سود/زیان خالص بانک‌های بورسی و تغییرات آن در سال ۱۴۰۰ (میلیارد ریال)

منبع: صورت‌های مالی بانک‌ها

بر اساس نمودار فوق، نه بانک از مجموع ۲۰ بانک بورسی و فراپورسی کشور در دو سال انتهایی دهه ۹۰ با وضعیت تولید زیان مواجه گردیده‌اند. بر این اساس با احتساب هفت بانک غیربورسی زیان‌ده (شامل بانک‌های ملی، سپه، کشاورزی، مسکن، توسعه تعاون، توسعه صادرات و مهر ایران) نیز که با ثبت زیان مواجه بوده‌اند و صرفاً با تکیه بر داده‌های [غیردقیق] صورت‌های مالی بانک‌ها، می‌توان گفت از مجموع ۲۸ بانک فعال در کشور در اواخر این دهه، بیش از نیمی از آن‌ها با مسئله ناترازی در جریان درآمد-هزینه مواجه بوده‌اند. ضمن اینکه مابقی بانک‌های باقی‌مانده نیز بعضاً در وضعیت شکننده‌ای قرار دارند.

از جهت مجموع سود/زیان خالص نظام بانکی باید گفت مجموع عملکرد بانک‌های بورسی و فراپورسی در سال ۱۴۰۰ با حدود ۶۰ درصد ریزش نسبت به سال ۱۳۹۹ به حدود ۷۳ هزار میلیارد ریال رسیده است. این در حالی است که با توجه به منفی بودن رقم مربوط به عملکرد بانک‌های غیربورسی (خاصه بانک‌های سپه و ملی جمعاً با حدود ۱۷۰ هزار میلیارد ریال زیان)، در مجموع می‌توان گفت نظام بانکی در ادامه روند زیان‌دهی خود در سال‌های قبل، در سال ۱۴۰۰ نیز در وضعیت زیان‌دهی خالص قرار داشته است. از همین رو انتظار

می‌رود دسترسی به داده‌های واقعی مربوط به عملکرد بانک‌ها، گستره وسیع‌تر و عمیق‌تری از ناترازی در جریان سودآوری را در نظام بانکی نشان دهد.

۳-۳. وضعیت ناترازی دارایی- بدهی

همان‌طور که بیان شد، شاخص سود/زیان خالص بانک از نوع «جریان» بوده و تنها وضعیت یک دوره از عملکرد بانک را نشان می‌دهد در حالی که آنچه موضوعیت دارد ارزیابی روند مستمر و بلندمدت جریان سودآوری/زیان‌دهی یک بانک است که در صورت تداوم تولید زیان، خود را در شاخص ناترازی دارایی-بدهی یا زیان انباشته بانک که از نوع انباشت^۱ است، نشان می‌دهد. در ادامه سه روش برای ارزیابی میزان این ناترازی در نظام بانکی در دهه ۹۰ بیان می‌شود.

۳-۳-۱. ارزیابی حساب سود/ زیان انباشته

بر اساس صورت‌های مالی و ترازنامه‌های انتشاریافته تا اواسط دهه ۹۰ از مجموع ۳۶ بانک و مؤسسه اعتباری فعال در نظام بانکی، حداقل ۱۹ بانک و مؤسسه اعتباری با زیان انباشته مواجه بوده‌اند. زیان انباشته اعلامی توسط بانک‌ها در نیمه اول دهه هرچند عموماً از میزان سرمایه آن‌ها تجاوز ننموده است، اما هشت بانک و مؤسسه اعتباری با توجه به تجاوز زیان انباشته از نصف سرمایه آن‌ها، عملاً مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت^۲ شده و در وضعیت ورشکستگی قرار گرفته‌اند.

در مجموع تعداد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با زیان انباشته از هشت مورد در سال ۳۹۲ به ۲۰ مورد (۵۵ درصد از تعداد کل) تا پایان ۹۵ افزایش یافته است؛ ضمن اینکه اگر در سال ۹۲ تنها بانک ملی بود که به واسطه نسبت ۷۵ درصدی زیان انباشته به سرمایه، مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت می‌شد؛ تا سال ۹۵ با تعمیق زیان انباشته در بین سایر بانک‌های زیان‌ده، حداقل هفت بانک و مؤسسه اعتباری دیگر^۳ نیز به جرگه مشمولین ماده ۱۴۱ اضافه گردیدند.

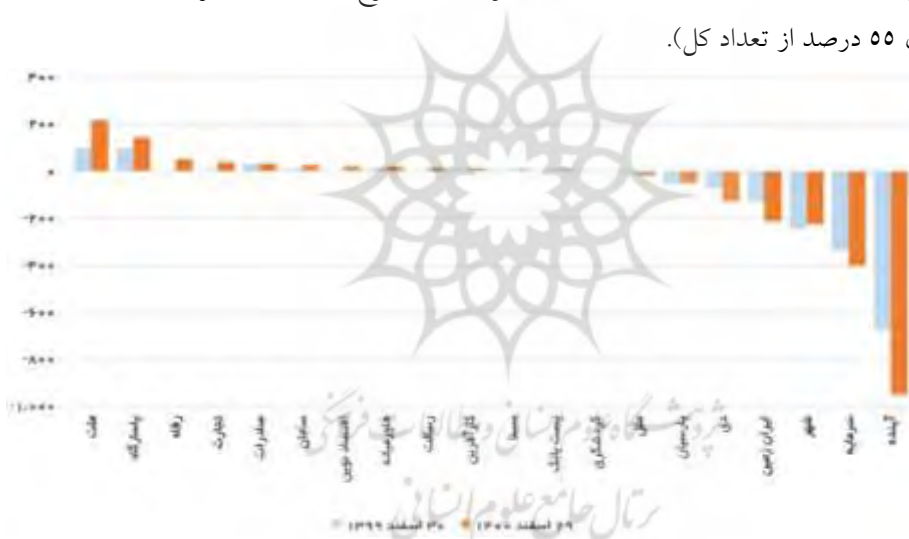
^۱. Stock

^۲. طبق این ماده، هر بنگاهی که سطح زیان آن به بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن برسد، ورشکسته محسوب شده و لازم است اقدامات لازم نسبت به آن اتخاذ گردد.

^۳. شامل بانک‌های ملی، سپه، توسعه صادرات، کشاورزی، مسکن، توسعه تعاون، قرض‌الحسنه رسالت و مؤسسه اعتباری توسعه

^۴. از جمله بانک‌های صادرات، گردشگری، سرمایه، ایران‌زمین، کشاورزی، مسکن و مؤسسه اعتباری توسعه

بر اساس صورت‌های مالی بانک‌ها، در ابتدای دهه (تا سال ۹۲) مجموع زیان انباشته بانک‌های زیان‌ده کمتر از مجموع سود انباشته بانک‌های سودده بوده و نظام بانکی هنوز در وضعیت خالص زیان انباشته قرار نگرفته است. در حالی که در نیمه دهه (از سال ۹۴) مجموع زیان انباشته بر سود انباشته غلبه یافته و کل نظام بانکی در وضعیت زیان انباشته قرار گرفته، هرچند بر اساس صورت‌های مالی بانک‌ها هنوز نمی‌توان کل نظام بانکی (به‌مثابه یک سیستم) را ورشکسته و مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت دانست. در پایان دهه ۹۰ از مجموع ۱۲۸ بانک فعال در نظام بانکی، ۱۴ بانک^۲ (شامل هفت بانک بورسی) با زیان انباشته مواجه گردیده است. البته با احتساب آخرین وضعیت بانک‌های ادغام‌شده و مؤسسات اعتباری منحل‌شده یا در شُرُف انحلال، می‌توان نسبت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دارای زیان انباشته به کل نظام بانکی را مشابه اواسط دهه ۹۰ دانست (۲۰ مورد از مجموع ۳۶ بانک و مؤسسه اعتباری؛ معادل ۵۵ درصد از تعداد کل).



۵: مانده سود/زیان انباشته بانک‌های بورسی در ابتدا و انتهای سال ۱۴۰۰ (هزار میلیارد ریال)

منبع: صورت‌های مالی بانک‌ها

^۱ بانک‌های انصار، مهر اقتصاد، قوامین، حکمت و مؤسسه اعتباری کوثر از سال ۹۸ در بانک سپه ادغام گردیدند. به‌علاوه سه مؤسسه اعتباری نور، کاسپین و توسعه نیز به علت انحلال و انتقال تعهدات آنها به بانک مرکزی یا بانک ملی در آمار لحاظ نگردیده‌اند. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مذکور عمدتاً با زبان/انباشته مواجه بوده‌اند.

۲. طبق گزارش رئیس کل بانک مرکزی در آذر ۱۴۰۳ در «همایش تأمین مالی از بنگاهداری به بنگاه‌سازی»، کماکان ۱۴ بانک مزبور با زیان‌انداخته مواجه هستند.

نمودار شماره (۵) مانده سود/زیان انباشته بانک‌های بورسی را در اواخر دهه ۹۰ نشان می‌دهد. در کنار هفت بانک بورسی زیان‌ده فوق، هفت بانک غیربورسی ملی، سپه، کشاورزی، مسکن^۱، صنعت و معدن، توسعه صادرات و توسعه تعاون نیز با مانده زیان انباشته مواجه بوده‌اند که در بین آن‌ها حداقل ۹ بانک (با احتساب بانک‌های ورشکسته ادغام‌شده در بانک سپه و سه مؤسسه اعتباری نور، کاسپین و توسعه؛ حداقل ۱۴ بانک و مؤسسه اعتباری) مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت و ورشکستگی قرار گرفته‌اند.

از منظر تعداد بانک‌های دارای زیان انباشته، هرچند وضعیت نظام بانکی تا اواخر دهه ۹۰ مشابه نیمه این دهه ارزیابی می‌شود^۲، اما از منظر گستره و عمق زیان انباشته موجود در نظام بانکی و به تبع آن، ورشکستگی بانک‌ها و کل نظام بانکی؛ وضعیت، تفاوتی محسوس نموده است. چرا که نه تنها خالص زیان انباشته بانک‌ها از نصف سرمایه کل نظام بانکی (آستانه قانونی اعلام ورشکستگی وفق مفاد ماده ۱۴۱ قانون تجارت) تجاوز نموده، بلکه از سرمایه کل نظام بانکی نیز فراتر رفته و موجودی حساب سرمایه نظام بانکی را به حدود ۱۶۵ هزار میلیارد ریال رسانده است^۳. نمودار شماره (۶) تغییرات خالص زیان انباشته بانک‌های بورسی را در طول دهه ۹۰ نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. بر اساس کتابی که وزارت اقتصاد در بهار ۱۴۰۲ تحت عنوان «نگاهی به عملکرد شرکت‌های دولتی» منتشر کرد، چهار بانک مذکور در زمره ۱۰ شرکت زیان‌ده دولتی با بالاترین زیان انباشته قرار داشته و بانک‌های ملی و سپه به ترتیب با ۶۹ و ۵۳ همت، بیشترین زیان‌انباشته را به خود اختصاص داده‌اند.

^۲. طبق صورت‌های مالی نظام بانکی، طی سال‌های منتهی به آخر دهه ۹۰ هرچند بانک‌های گردشگری، صادرات، تجارت، قرض‌الحسنه رسالت، پست‌بانک، ملت و اقتصاد نوین با بهبود عملکرد خود از وضعیت زیان‌انباشته خارج گردیدند، در مقابل، بانک‌های آینده، شهر، مهر اقتصاد و مؤسسات اعتباری ملل، کوثر، نور و کاسپین که در نیمه دهه در وضعیت سودانباشته قرار داشتند، با شکل‌گیری روند معکوس در جریان سودآوری، وارد وضعیت زیان‌انباشته گردیدند.

^۳. در اسفند ۱۴۰۰ حساب سرمایه بانک‌های تجاری دولتی، بانک‌های تخصصی دولتی و بانک‌های تجاری غیردولتی به ترتیب ارقام ۱۵۲۰، ۹۴۶ و ۴۰۹ هزار میلیارد ریال را ثبت نموده است.



نمودار ۶: تغییرات خالص سود/زیان انباشته بانک‌های بورسی در طول دهه ۹۰ (هزار میلیارد ریال)

منبع: صورت‌های مالی بانک‌ها

در مجموع، در سال ۱۴۰۰ حجم زیان انباشته و سود انباشته بانک‌ها به ترتیب به حدود ۳۴۰۰ و ۶۸۰ هزار میلیارد ریال رسید که منجر به ثبت خالص زیان انباشته ۲۷۰۰ هزار میلیارد ریالی برای کل نظام بانکی شده است. این روند فزاینده زیان انباشته در نظام بانکی تا سال ۱۴۰۳ نیز ادامه داشته به گونه‌ای که تا آخر بهار ۱۴۰۳ خالص زیان انباشته بانک‌های بورسی - با جهشی ۱۰۹ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل آن - به بیش از ۳۸۰۰ هزار میلیارد ریال و خالص زیان انباشته کل بانک‌ها - با فرض عدم افزایش زیان انباشته بانک‌های غیربورسی نسبت به ۱۴۰۰ - به بیش از ۵۱۰۰ هزار میلیارد ریال رسیده است که مشابه سال‌های قبل آن، با سرمایه کل نظام بانکی در همان برهه^۱ برابری می‌کند.

از این منظر با توجه به اینکه رفع ناترازی دارایی- بدهی در نظام بانکی در گام اول مستلزم رفع زیان انباشته (بدهی) موجود است، حجم خالص این بدهی مبتنی بر ظاهر صورت‌های مالی بانک‌ها در انتهای ۱۴۰۰ و بهار ۱۴۰۳ به ترتیب حداقل ۲۷۰۰ و ۵۱۰۰ هزار میلیارد ریال و در صورت واقعی‌سازی داده‌های ترازنامه بانک‌ها، بسیار بیشتر از این ارقام ارزیابی می‌شود.

۱. بر اساس گزارش رئیس کل بانک مرکزی در نشست خبری آذرماه ۱۴۰۳.

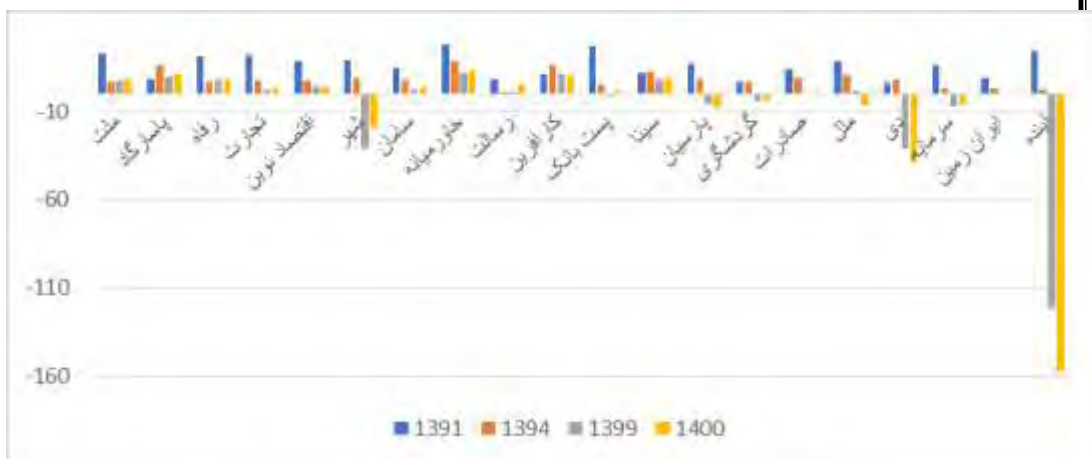
۳-۲. ارزیابی کفایت سرمایه^۱

کفایت سرمایه از شاخص‌های مهم و اساسی در بازارهای مالی بوده و دلیل وضع آن عدم تقارن اطلاعاتی بالقوه بین بانک‌ها و وام‌گیرندگان است که می‌تواند به نکول تسهیلات و زیان بانکی منجر شود. از این‌رو بانک‌ها موظف به نگهداری سرمایه کافی و عملکرد کارا برای جلوگیری از ورشکستگی هستند (آگراول و جاکوس^۲، ۲۰۰۱). این نسبت اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته بال بانک تسویه بین‌المللی (BIS) به منظور ارتقای سیستم مالی و مقابله با ریسک‌های مختلف بانک‌ها معرفی گردید. طبق آیین‌نامه کفایت سرمایه ابلاغ‌شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۲ شورای پول و اعتبار) حداقل نسبت کفایت سرمایه برای کلیه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی مثبت ۸ درصد (معادل نرخ اعلامی بیانیه بازل I کمیته مزبور در سال ۱۹۸۸) تعیین شده است.

بر اساس صورت‌های مالی بانک‌ها، در ابتدای دهه ۹۰ نسبت کفایت سرمایه عموم بانک‌ها بالاتر از ۸ بوده و تنها حدود ۱۵ درصد بانک‌ها نرخ کمیتر از آن را ثبت کرده‌اند. بررسی داده‌های مربوط به بانک‌های بورسی در این برهه نشان می‌دهد متوسط نسبت کفایت سرمایه آن‌ها بالاتر از ۱۵ بوده است. این در حالی است که تا نیمه این دهه نسبت کفایت سرمایه بیش از ۲۰ بانک و مؤسسه اعتباری کمیتر از ۸ درصد قرار گرفته و متوسط این شاخص برای بانک‌های بورسی به حدود ۸ درصد و برای کل نظام بانکی به کمتر از ۸ درصد رسیده است. تا پایان دهه، با تداوم و تعمیق روند زیان‌دهی بانک‌ها و برابری خالص زیان انباشته با سرمایه کل در نظام بانکی، متوسط این نرخ برای بانک‌ها منفی گشته و طبق گزارش بانک مرکزی تا پایان سال ۱۴۰۲ نیز این وضعیت در سیستم بانکی حکم‌فرما بوده است (گزارش رئیس کل بانک، آذر ۱۴۰۳). نمودار شماره (۷) تغییرات شاخص فوق برای بانک‌های بورسی را در طول دهه ۹۰ نشان می‌دهد.

^۱ Capital adequacy Ratio: حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون‌شده به ضرایب ریسک برحسب درصد

^۲ Aggarwal & Jacques



نمودار ۷: تغییرات نسبت کفایت سرمایه بانک‌های بoursی در طول دهه ۹۰ (درصد)

منبع: صورت‌های مالی بانک‌ها

در نیمه دوم دهه ۹۰ حداقل نیمی از بانک‌ها با نسبت کفایت سرمایه منفی در ترازنامه خود مواجه گردیده به گونه‌ای که تا سال ۱۴۰۰ علی‌رغم افزایش سرمایه در بانک‌ها، کماکان ۱۰ بانک (معادل ۴۰ درصد) از مجموع ۲۸ بانک فعال، در ترازنامه خود نسبت کفایت سرمایه منفی اظهار نموده و این روند تا پایان ۱۴۰۲ نیز ادامه داشته است. همچنین تعداد بانک‌های با کفایت سرمایه کمتر از ۸ درصد در سال ۱۴۰۰ معادل ۱۹ مورد (۶۸ درصد) بوده که تا پایان ۱۴۰۲ نیز این وضعیت تداوم یافته است. البته در صورتی که نرخ اعلامی بازل III (حداقل ۱۳ درصد) مبنای تحلیل نسبت کفایت سرمایه قرار گیرد، تنها دو بانک - آن هم مبتنی بر داده‌های اظهاری در ترازنامه خود - استاندارد مذکور را تأمین کرده‌اند.

با توجه به گستره ناترازی و ورشکستگی در نظام بانکی، عملاً تنها راهکار احیای بانک‌های ورشکسته و جلوگیری از انحلال آن‌ها، تأمین کفایت سرمایه بانک‌ها به منظور جذب زیان انباشته موجود می‌باشد که خود می‌تواند به عنوان شاخصی مهم در ارزیابی میزان ناترازی دارایی - بدهی بانک‌ها محسوب شود. چرا که از این منظر می‌توان ناترازی موجود در نظام بانکی کشور را معادل سرمایه لازم برای احیای آن دانست. در این صورت، احیای یک بانک تنها به مفهوم تسویه زیان/بدهی انباشته آن نیست، بلکه به معنای رساندن بانک به نقطه برخورداری از حداقل ملزومات فعالیت بانکی مطمئن و سالم از جمله اکتساب نسبت استاندارد کفایت سرمایه است.

با توجه به اینکه خالص سرمایه کل نظام بانکی در اواخر دهه ۹۰ و سال‌های اخیر تقریباً برابر صفر گشته و نیز مبتنی بر گزارش اخیر بانک مرکزی^۱، افزایش نسبت کفایت سرمایه نظام بانکی به ۸ درصد مستلزم تأمین حداقل ۱۱۰۰۰ هزار میلیارد ریال سرمایه خواهد بود. طبعاً افزایش نسبت فوق به حد استاندارد بازل III (۱۳ درصد برای بانک‌های کوچک و ۱۵/۵ درصد برای بانک‌های بزرگ) مستلزم سرمایه‌ای به مراتب بیشتر خواهد بود که برآورد این مطالعه ارقامی بیش از ۲۰۰۰۰ هزار میلیارد ریال را برای آن نشان می‌دهد. همچنین به هر میزان، ابعاد پنهان ناترازی بانک‌ها آشکار گردد، انتظار می‌رود این رقم تا سطوح بالاتری به همان نسبت افزایش یابد.

۳-۳-۳. ارزیابی دارایی‌های موهومی (ناترازی پنهان)

با علم به اینکه بخشی از ناترازی بانک‌ها در ترازنامه آن‌ها قابل رؤیت نیست، برای ارزیابی دقیق وضعیت نظام بانکی در دهه ۹۰ لازم است علاوه بر بررسی خالص زیان انباشته و نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها، به بررسی ابعاد این بخش پنهان در ترازنامه بانک‌ها نیز پرداخت. توضیح آنکه افزایش نسبت پرداخت سود سپرده به کل سپرده جدید در بانک‌ها و افزایش مستمر جانب بدهی ترازنامه آن‌ها از یک طرف و انجماد جانب دارایی ترازنامه^۲ به واسطه افزایش حجم مطالبات غیرجاری و دارایی‌های منجمد از طرف دیگر، باعث شکل‌گیری دارایی‌های موهومی در ترازنامه بانک‌ها به منظور تراز نمودن رشد دارایی‌ها با بدهی‌ها گردید. امهال (جاری نمودن) مطالبات معوق و سوخت‌شده، بیش‌ارزش‌گذاری املاک و مستغلات بانکی و سود و جرائم مطالبات معوق بانک‌ها از دولت، مهم‌ترین مصادیق دارایی‌های موهومی بانک‌ها است که در شرایط ضعف نظارت‌های درونی (که محصول ساختار حاکمیت شرکتی نامناسب است) و نظارت‌های بیرونی (حسابرسی مستقل و نظارت بانک مرکزی) و به جهت عدم شفافیت جزئیات فعالیت و امکان تغییر سریع ترکیب دارایی‌های بانکی شکل گرفته‌اند و در گزارشات مستند و متعدد^۳ نیز به آن اشاره شده است.

۱. گزارش رئیس کل بانک مرکزی در همایش «تأمین مالی از بنگاه‌داری به بنگاه‌سازی»، آبان ۱۴۰۳.

۲. در سمت دارایی‌ها، عمدتاً با سه نوع دارایی مواجه هستیم: دارایی‌های سالم (مولد جریان نقد)؛ دارایی‌های منجمد (فاقد جریان نقد) و دارایی‌های موهومی (فاقد مایه‌زای خارجی).

۳. از جمله در گزارشات مرکز پژوهش‌های مجلس و مسئولین و فعالان بانکی کشور.

از اواسط دهه ۹۰ با برونریزی برخی تبعات بحران ناترازی بانکها، مطالعات و بررسی‌هایی در خصوص حجم این ناترازی با تکیه بر ارزیابی دارایی‌های موهومی بانکها صورت گرفته است. بر اساس گزارش رئیس وقت کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در سال ۹۵، از حدود ۴۲۰ همت تسهیلات پرداختی نظام بانکی در سال ۹۴ حدود ۲۲۰ همت (۵۲ درصد) را تسهیلات امهالی تشکیل داده‌اند (خبرگزاری میزان: ۱۳۹۳/۰۴/۲۳). گزارش مذکور البته در خصوص ارزیابی سایر اقلام دارایی‌های موهومی مطلبی ارائه نداده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش ۱۵۵۱۴ خود (۱۳۹۶) با مقایسه رشد عوامل بنیادین اقتصاد با رشد دارایی‌های بانکی و مبتنی بر آن به برآورد حجم ناترازی پنهان شبکه بانکی می‌پردازد. منطق این روش آن است که چنانچه رشد حجم مطالبات بانکها متناسب با رشد اسمی اقتصاد باشد، در سطح کلان و به‌صورت متوسط، مطالبات بانکی قابل بازپرداخت خواهد بود. مجموع نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی (افزایش GDP به قیمت‌های جاری) را می‌توان به‌صورت تقریبی به‌عنوان حد رشد قابلیت بازپرداخت تسهیلات بانکی در نظر گرفت. با این منطق، چنانچه تسهیلات بانکی (و در معنای وسیع‌تر، دارایی‌های بانکی) نامتناسب با رشد اقتصاد به ارقام جاری افزایش یافته باشد، نشانه بروز ناترازی در شبکه بانکی است. این مطالعه در دو سناریو به برآورد این ناترازی پرداخته است. در سناریوی اول قابلیت رشد واقعی دارایی‌های سیستم بانکی تابعی از رشد اسمی اقتصاد تلقی شده و در سناریوی دوم، با توجه به اهمیت مستغلات در دارایی‌های بانکی، نرخ تورم مؤثر بر قابلیت بازپرداخت متوسطی از نرخ رشد سطح عمومی قیمت‌ها و رشد قیمت مستغلات تلقی شده است. بر این اساس میزان ناترازی پنهان در شبکه بانکی کشور در پایان سال ۹۵ بین ۳۴۰ تا ۴۸۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

در ارزیابی نتایج مطالعه فوق باید گفت کاربرد روش مورد استفاده در آن بیشتر در دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۹۶ موضوعیت داشته که در آن، نرخ بهره بانکی از جمع نرخ‌های تورم و رشد اقتصادی بیشتر بوده است. ضمن اینکه مابه‌التفاوت رشد دارایی‌های بانکی در دو حالت رشد اظهارشده و رشد قابل‌انتظار در ترازنامه بانکها به‌تنهایی نمی‌تواند معیار و شاخص

۱. با عنایت به اینکه موجودی حساب سرمایه بانکها و مؤسسات اعتباری کشور در پایان سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷ به ترتیب ۶۲/۸ و ۳۷ همت بوده، حجم ناترازی پنهان در این مقاطع خود به تنهایی چندین برابر کل سرمایه بانکها ارزیابی می‌شود که نشان‌دهنده افسار قطعی و مضاعف نظام بانکی حتی پیش از نیمه دهه ۹۰ است.

دقیقی برای ارزیابی میزان دارایی‌های موهومی بانک‌ها باشد. چرا که عامل تجاوز نرخ رشد دارایی‌های بانکی نسبت به حد معمول آن (نرخ تورم + نرخ رشد اقتصادی) در عمده موارد امهال تسهیلات بوده که به معنای غلتاندن تسهیلات معوق با افزایشی در مبلغ آن معادل حاصل جمع نرخ سود بانکی و نرخ‌های بهره مرکب و جریمه است. این نرخ افزایش دارایی در بازه مذکور بزرگ‌تر از حاصل جمع نرخ‌های تورم و رشد اقتصادی بوده و اگر صرفاً مابه‌التفاوت این دو نرخ مبنای برآورد حجم دارایی‌های موهوم بانکی قرار گیرد، تمام اصل و فرع مبالغ تسهیلات امهالی را در بر نخواهد گرفت.

در مطالعه‌ای دیگر شریف‌زاده و کیایی (۱۳۹۷) با بررسی ترازنامه بانک‌ها در مهرماه ۹۷ به برآورد دارایی‌های موهومی اعم از مطالبات غیرجاری (سوخت‌شده)^۱، مطالبات اختلافی از دولت (شامل میزان سود شناسایی‌شده) و سایر دارایی‌ها (شامل بدهی‌های موقت فاقد تعهد پرداخت شرکت‌های تابعه و سود و وجه التزام دریافتی تسهیلات سوخت‌شده) پرداخته است. بر این اساس هر یک از اقلام مطالبات سوخت‌شده، مطالبات از دولت و سایر دارایی‌ها در مهرماه ۹۷ به ترتیب ۱۱۴، ۵۱ و ۳۹۶ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. لذا مجموع دارایی‌های موهوم شبکه بانکی در این مقطع معادل ۵۶۱ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. طبق این مطالعه ارزیابی کل ناترازی نظام بانکی در مهرماه ۹۷ با لحاظ سرمایه لازم تا رسیدن به نسبت کفایت سرمایه ۸ درصد، معادل ۶۶۷ هزار میلیارد تومان بوده است.

در خصوص مطالعه فوق چند نکته قابل ذکر است. اولاً نحوه برآورد تسهیلات امهالی بانک‌ها در این مطالعه - که به نظر ذیل عنوان «سایر دارایی‌ها» مورد بررسی قرار گرفته - و میزان دقت آن با ابهاماتی مواجه است؛ ثانیاً، بحث برآورد بیش‌ارزش‌گذاری مستغلات بانکی نیز که در بسیاری از بانک‌ها شایع بوده، در محاسبه دارایی‌های موهومی لحاظ نشده است؛ ثالثاً، در ارزیابی کل ناترازی، مبنای تأمین کفایت سرمایه استاندارد، دستورالعمل قدیمی شورای پول و اعتبار در سال ۱۳۸۲ (مبتنی بر دستورالعمل کمیته بازل در سال ۱۹۸۸) قرار گرفته و نه استاندارد روز در صنعت بانکداری که مطابق با استاندارد بازل III تنظیم شده است. از این رو به نظر می‌رسد مطالعه مذکور نیز با کم‌برآوردی قابل توجهی چه در ارزیابی ناترازی پنهان و چه کل ناترازی نظام بانکی مواجه است.

^۱ براساس استاندارد بانک جهانی، ۲۵ درصد از مطالبات سررسید گذشته، ۵۰ درصد از مطالبات معوق و ۱۰۰ درصد از مطالبات مشکوک‌الوصول را باید سوخت شده دانست.

چنارانی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در مطالعه خود به ارزیابی حجم ناترازی نظام بانکی کشور در پایان سال ۹۷ پرداخته و برای این منظور اقلام چهارگانه تسهیلات غیرجاری و امهالی اشخاص غیردولتی، زیان انباشته و مطالبات موهومی از دولت را در ترازنامه بانکها مورد توجه قرار داده است. بر اساس نتایج این مطالعه مجموع ناترازی نظام بانکی در این سال ۷۵۵ هزار میلیارد تومان و سهم هر یک از اقلام مطالبات امهالی اشخاص غیردولتی، مطالبات غیرجاری اشخاص غیردولتی، زیان انباشته و مطالبات موهومی از دولت؛ از کل این ناترازی به ترتیب ۴۸، ۲۸، ۱۶ و ۸ درصد برآورد شده است.

در این مطالعه نیز بیش‌ارزش‌گذاری دارایی‌های ثابت و مستغلات بانکی در محاسبات لحاظ نگردیده، ضمن اینکه به نظر می‌رسد نسبت برآورد سهم مطالبات غیرجاری از ناترازی پایدار نظام بانکی با بیش‌برآوردی نسبی مواجه است. از طرفی روش برآورد مطالعه مذکور از حجم تسهیلات امهالی بانکها نیز چالش‌پذیر بوده، هرچند تنها مطالعه‌ای است که برآوردی صریح از این مقوله ارائه کرده و بر اساس آن، تسهیلات امهالی حدود ۵۷ درصد از دارایی‌های موهومی نظام بانکی را شامل می‌شود. در مجموع به نظر می‌رسد ارزیابی ۶۳۱ همتی این مطالعه از حجم ناترازی پنهان (دارایی‌های موهومی) نظام بانکی در سال ۹۷ نیز مشابه مطالعات قبلی تا حدی با کم‌برآوردی مواجه است.

در ارزیابی نهایی از دارایی‌های موهومی و ناترازی پنهان نظام بانکی در دهه ۹۰ می‌توان گفت اولاً، هسته اصلی این ناترازی را باید تسهیلات امهالی بانکها دانست که بیش از نیمی از دارایی‌های موهومی آنها را تشکیل می‌دهد؛ ثانیاً، هرچند ریشه این ناترازی به پیش از دهه ۹۰ باز گشته و در نیمه دوم دهه ۸۰ نیز مطرح بوده است، اوج‌گیری آن در نیمه اول دهه ۹۰ رخ داده و تا اواخر این دهه نیز تداوم یافته است. از طرفی با توجه به پنهان بودن این ناترازی، هنوز برآوردی از حجم آن در اواخر دهه مزبور در مطالعات ارائه نشده است. در این راستا مطالعه حاضر با تکیه بر نکات زیر به ارزیابی حجم تسهیلات امهالی و نیز کل ناترازی پنهان نظام بانکی در دهه ۹۰ می‌پردازد که نتایج آن را می‌توان در نمودار شماره (۸) مشاهده نمود.



نمودار ۸: برآورد حداقلی از حجم تسهیلات امهالی و کل دارایی های موهومی نظام بانکی (هزار میلیارد ریال)

منبع: محاسبات مطالعه حاضر

❖ مبنای برآورد حجم تسهیلات امهالی بانکها در اواسط دهه ۹۰ (سال ۹۵) را می توان گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس (نسبت ۵۲ درصدی تسهیلات امهالی از کل تسهیلات بانکی) در نظر گرفت؛

❖ بر اساس گزارش کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی درباره مطالبات غیرجاری بانکها در سال ۹۷^۱، نسبت فوق تقریباً بدون تغییر مانده و می تواند در این سال نیز مبنای برآورد حجم تسهیلات امهالی بانکها قرار گیرد؛

❖ برای برآورد حجم تسهیلات امهالی در پایان ۱۴۰۰ با رویکرد حداقلی، فرض بر آن است که تسهیلات امهالی سال ۹۷ با نرخ معادل حاصل جمع نرخ سود مرکب و نرخ جریمه دیرکرد بانکی (حدود ۳۰ درصد) تا سال ۱۴۰۰ غلظانده شده و مورد جدیدی به لیست تسهیلات امهالی اضافه نگردیده است؛

❖ برای برآورد حجم کل دارایی های موهومی در هر سال، از نسبت تسهیلات امهالی به کل دارایی های موهومی که از نتایج مطالعه چنارانی و همکاران (۱۴۰۲) قابل اقتباس است، استفاده می گردد.

^۱. برای دسترسی به متن گزارش مزبور رجوع شود به: خبرگزاری اقتصادآنلاین، کد خبر ۲۷۳۳۲۵

بر این اساس به نظر می‌رسد حجم تسهیلات امهالی بانک‌ها به همراه سود و جرائم تعلق‌یافته در اسفند ۱۴۰۰ حداقل ۸۹۰ همت (معادل ۳۰ درصد کل تسهیلات جدید و ۲۱ درصد مانده کل تسهیلات نظام بانکی) و حجم کل دارایی‌های موهومی نیز از ۱۵۶۰ همت تجاوز نموده باشد.

۳-۴. ارزیابی حجم کل ناترازی نظام بانکی

در نهایت باید گفت ارزیابی کل ناترازی نظام بانکی مستلزم برآورد سه نوع ناترازی/کسری در نظام بانکی است:

۱. ناترازی آشکار حسابداری که معادل خالص زیان انباشته و سرمایه لازم برای پوشش آن است؛

۲. ناترازی آشکار کفایت سرمایه که معادل کسری سرمایه برای تأمین نسبت استاندارد مربوطه است؛

۳. ناترازی پنهان که معادل حجم دارایی‌های موهومی در نظام بانکی بوده و متناسب با آن بر حجم زیان و نیز سرمایه لازم برای رفع دو ناترازی فوق افزوده می‌شود.

در واقع حجم کل ناترازی نظام بانکی بیانگر مقدار سرمایه لازم برای سالم‌سازی کامل ترازنامه بانک‌ها و عملکرد آن‌ها است که علاوه بر رفع کامل ناترازی‌های آشکار و پنهان در نظام بانکی، شامل الزامات تأمین مقدار استاندارد سرمایه برای بهبود عملکرد بانک‌ها و جلوگیری از افتادن آن‌ها به ورطه ورشکستگی نیز می‌شود. نکته اینکه ناترازی در جریان وجوه نقد در محاسبه کل ناترازی نظام بانکی لحاظ نمی‌گردد. چرا که این نوع از ناترازی عمده‌تاً محصول شکل‌گیری دارایی‌های موهومی و منجمد بانکی - که ناترازی دارایی - بدهی و ناترازی درآمد-هزینه (زیان‌دهی مستمر بانک) را به بار می‌آورد - بوده و رفع این ناترازی‌ها خود منجر به رفع ناترازی در جریان وجوه نقد نیز خواهد شد. جدول شماره (۳) ارزیابی وضعیت کل ناترازی نظام بانکی کشور را برای سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ در دو حالت هدف‌گذاری نسبت کفایت سرمایه ۸ درصد (بازل I) و ۱۳ درصد (بازل III)^۱ نشان می‌دهد. بر این اساس حجم کل ناترازی بانک‌ها با فرض اعمال کفایت سرمایه ۸ درصد از

^۱ این نسبت در بازل III برای بانک‌های غیرسیستمی و کوچک تعریف شده است و بانک‌های سیستمی و بزرگ باید از نسبت ۱۵/۵ درصد تبعیت کنند.

حدود ۶۰۰ همت در پایان ۹۵ به ۹۲۱ همت در پایان ۹۷ و ۲۲۲۲/۵ همت در پایان ۱۴۰۰ رسیده است. اعمال کفایت سرمایه ۱۳ درصد برآورد کل ناترازی را به میزان ۲۶۲۶ همت در پایان ۱۴۰۰ نشان می‌دهد.^۱ (ردیف «کسری تأمین کفایت سرمایه» در جدول با لحاظ خالص سرمایه بانکی موجود در هر مقطع برآورد شده و عملاً مجموع حجم دو ناترازی آشکار حسابداری و کفایت سرمایه را در هر دوره نشان می‌دهد)

سال	خروجی عملکرد کل نظام بانکی	موجودی کل حساب سرمایه (پس از کسر زیان انباشته)	حجم کل ناترازی پنهان برآوردی	کسری تأمین کفایت سرمایه قانونی ^۲ (٪۸)	کسری تأمین کفایت سرمایه استاندارد (٪۱۳)	حجم کل ناترازی ی با کفایت سرمایه قانونی (٪۸)	حجم کل ناترازی با کفایت سرمایه استاندارد (٪۱۳)
۱۳۹۵	خالص زیان انباشته	۶۲۰	-۵۰۰۰	-۱۰۰۹	-۲۰۳۱	-۶۰۰۹	-۷۰۳۱
۱۳۹۷	خالص زیان انباشته	۳۷۰	-۷۰۶۰	-۲۱۵۰	-۳۷۲۵	-۹۲۱۰	-۱۰۷۸۵
۱۴۰۰	خالص زیان انباشته	-۱۶۵	-۱۵۶۰۰	-۶۶۲۵	-۱۰۶۶۲	-۲۲۲۲۵	-۲۶۲۶۰

جدول ۳: ارزیابی حجم کل ناترازی نظام بانکی کشور در دهه ۹۰ (هزار میلیارد ریال)

منبع: محاسبات مطالعه حاضر مبتنی بر داده‌های بانک مرکزی

۴. تحلیل عوامل مؤثر بر وضعیت نظام بانکی در دهه ۹۰

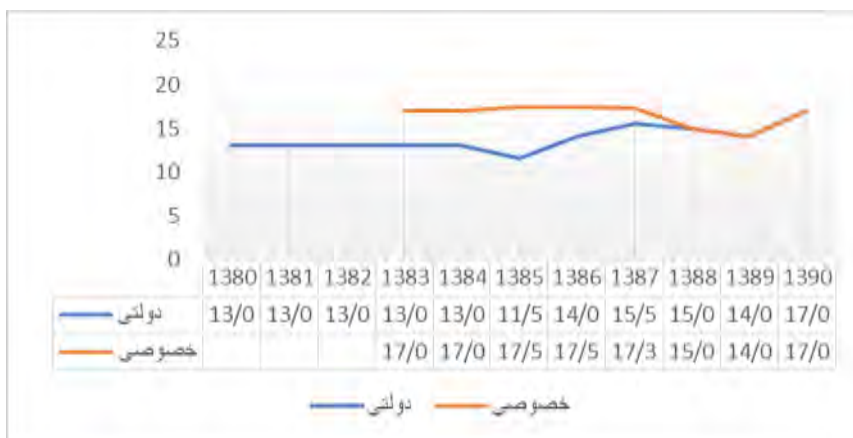
^۱. ارقام برآوردی جدول فوق با فرض تصمیم بر ابقای تمامی بانک‌ها بوده و در صورت انحلال هر بانک، به شرط تصفیه حقیقی ناترازی‌ها و بدهی‌های به‌جامانده و عدم انتقال آن به ترازنامه بانکی دیگر، متناسب با حجم سرمایه مثبت لازم برای تداوم فعالیت بانک(های) مربوطه از حجم کل ناترازی برآوردی کسر می‌گردد.

^۲. در محاسبه کسری سرمایه لازم برای تأمین نسبت‌های کفایت سرمایه ۸ و ۱۳ درصد، ضرایب مربوط به موزون به ریسک نمودن دارایی‌ها با توجه به پیچیده نمودن محاسبات لحاظ نگردیده است. طبیعتاً لحاظ این ضرایب می‌تواند بر حجم کسری سرمایه و کل ناترازی بیفزاید؛ هرچند مقدار افزایش آن قابل اعتنا به نظر نمی‌رسد.

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نابسامانی‌ها در نظام پولی و بانکی کشور در دهه ۹۰ را می‌توان از دو منظر عوامل زمینه‌ای و بسترساز بحران و عوامل تشدیدکننده بحران تحلیل نمود. در ادامه به‌طور خلاصه به ارزیابی هر یک پرداخته می‌شود.

۴-۱. عوامل زمینه‌ای بحران بانکی در ابتدای دهه

اعطای مجوز تأسیس بانک خصوصی در نظام بانکی کشور در شرایطی از نیمه اول دهه ۸۰ صورت گرفت که دو قوه سیاست‌گذاری پولی و نظارت بانکی هنوز به بلوغ و توانایی کافی برای مدیریت رفتار بازیگران شبکه بانکی کشور به‌ویژه در شرایط حضور بانک‌های خصوصی با محرک‌های شخصی و گروهی و تعارضات ذاتی فراوان نرسیده و اصول بانکداری مرکزی و نظارت بانکی هنوز به‌درستی در بدنه حاکمیت ادراک و اجرا نشده بود. این مسئله باعث شد که در اولین گام، بانک‌های خصوصی تازه تأسیس به‌منظور افزایش سهم خود از بازار پول کشور و جذب حداکثری منابع، اقدام به بالا بردن و ایجاد رقابت مخرب در نرخ سود بانکی نمودند ضمن اینکه در جانب تخصیص منابع نیز بخش قابل توجهی از منابع آن‌ها بدون رعایت ضوابط لازم صرف اعطای تسهیلات به اشخاص حقوقی و حقیقی وابسته گردیده و عمدتاً در بازپرداخت با مشکلاتی مواجه شد که نهایتاً این تسهیلات نکول‌یافته از طریق امهال در ترازنامه بانک‌ها پنهان گردید. نمودار شماره (۹) به‌وضوح روند رقابت در نرخ سود بانکی در دهه ۸۰ را به‌واسطه حضور بانک‌های خصوصی نشان می‌دهد. هرچند بانک‌های دولتی به‌ناچار و به‌منظور حفظ منابع خود از نرخ‌های سود بالاتر تبعیت نمودند، این روند منجر به ایجاد مشکل در عملکرد آن‌ها در سال‌های آتی گردید.



نمودار ۹: وضعیت نرخ سود سالانه سپرده‌ها با ورود بانک‌های خصوصی به شبکه بانکی در دهه ۸۰ (درصد)

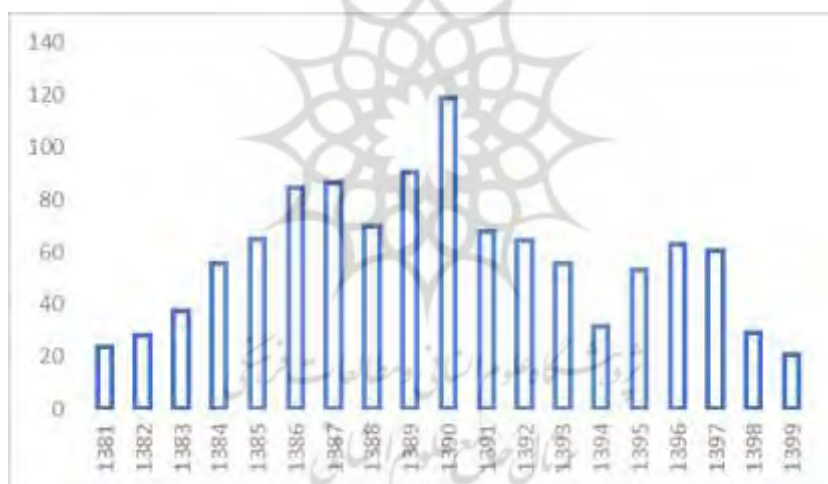
منبع: داده‌های گزارش ۱۷۴۷۹ مرکز پژوهش‌های مجلس

از جمله عواملی که بستر را برای این کژکارکردی بانک‌ها فراهم می‌نمود، ضعف در زیرساخت‌های حکمرانی پولی و بانکی از جمله نظامات حسابداری، حسابرسی و اعتبارسنجی به‌منظور استانداردسازی دارایی‌های بانک‌ها به‌ویژه مطالبات و مستغلات بانکی بود. از ابتدای سال ۱۳۸۲ درآمدهای ناشی از عقود بانکی بر مبنای روش حسابداری تعهدی در حساب‌های بانک‌ها منظور گردید. تغییر مبنای حسابداری از نقدی به تعهدی و تداوم اجرای ناقص و نظارت ضعیف بر آن، در شرایطی انجام شد که هیچ‌یک از سه رکن پیش‌نیاز آن (مدیریت حرفه‌ای بانک، حسابرسی مستقل و باکیفیت و نظارت کارآمد مقام ناظر بانکی) محقق نشده بود و این روند نهایتاً منجر به شناسایی سودهای موهوم در شبکه بانکی، توزیع آن به ذی‌نفعان و تحمیل ریسک به نظام بانکی کشور گردید. از طرفی خلأ اعتبارسنجی‌های لازم برای مشتریان و سازوکارهای نظارتی اعطای تسهیلات، منجر به تخصیص منابع بانکی به فعالیت‌های پر ریسک و غیرمولد گردید.

با این همه تا اواخر دهه ۸۰ وضعیت نماگردها و نسبت‌های مالی بانک‌ها تقریباً در شرایطی نرمال به سر می‌برد.^۱ علاوه بر ضعف در رویه‌های حسابداری و حسابرسی، عامل مؤثرتر در این موضوع را می‌توان به وضعیت کلان اقتصاد مرتبط دانست. نمودار شماره (۱۰)

^۱ به‌جز شاخص «نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات بانکی» که در نیمه دوم دهه ۸۰ مقادیری بیش از ۱۵ درصد را ثبت نمود، مابقی شاخص‌ها از جمله نسبت کفایت سرمایه و سودآوری بانک‌ها مناسب به نظر می‌رسید.

سطح درآمدهای نفتی کشور را در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که طبق آن، در نیمه دوم دهه ۸۰ درآمدهای نفتی کشور به اوج خود رسیده است. این امر منجر به تشدید وضعیت بیماری هلندی و تثبیت نرخ ارز به پشتوانه درآمدهای نفتی شده که یکی از تبعات آن، ایجاد رونق موقت در کل اقتصاد و حباب سودآوری در حوزه کالاهای غیرقابل تجارت از جمله املاک و مستغلات و به تبع آن، تمایل بیش از پیش بانک‌ها به سرمایه‌گذاری در این بخش بوده است. از این رو می‌توان گفت رونق کاذب و افزایش سهم دارایی‌های ثابت از کل دارایی‌های نظام بانکی و سودآوری مناسب آن، به حفظ ترازمندی ترازنامه بانک‌ها تا پایان دهه ۸۰ کمک شایانی نمود.



نمودار ۱۰: میزان درآمدهای نفتی کشور در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ (میلیارد دلار)

منبع: داده‌های بانک مرکزی

در مجموع عوامل زیر را می‌توان به عنوان عوامل زمینه‌ای ایجاد بحران بانکی در کشور دانست:

۱. تأسیس بانکداری خصوصی در شرایط خلأ سیاست‌گذاری پولی و نظارت بانکی مناسب؛

۲. تشدید بیماری هلندی و تثبیت نرخ ارز در نیمه دوم دهه ۸۰ به واسطه جهش درآمدهای نفتی؛

۳. ضعف در زیرساخت‌های حکمرانی پولی-بانکی از جمله استانداردهای حسابداری، حسابرسی، اعتبارسنجی و استانداردسازی تسهیلات و دارایی‌ها [خود می‌تواند به‌نوعی متأثر از عامل اول شناخته شود].

۲-۴. عوامل تشدیدکننده بحران بانکی در طول دهه

۱-۲-۴. تحریم‌های اوایل دهه ۹۰

بعضاً به اشتباه تحریم‌های ابتدای دهه ۹۰ و کاهش درآمدهای نفتی کشور متأثر از آن (نمودار ۱۰) به‌عنوان عامل اصلی بحران اقتصادی و بانکی در ایران در طول این دهه ذکر می‌شود. این در حالی است که با توجه به قرار گرفتن اقتصاد کشور در دام شومی منابع و بیماری هلندی (ناشی از سوءمدیریت درآمدهای سرشار نفتی در سال‌های قبل آن)، اقدامات تحریمی علیه کشور تنها به‌مثابه جرقه‌ای بر سوخت عظیم مهیا شده در درون اقتصاد عمل نموده و اقتصاد ایران را از ورطه رونقی کاذب به نقطه مقابل آن یعنی رکود نسبتاً عمیق وارد نمود. این رکود باعث افت نرخ رشد دارایی‌ها و بازگشت تسهیلات بانکی نسبت به جانب بدهی‌ها و تعهدات بانکی - که از تصلب بالایی برخوردار است - گردید و علاوه بر تشدید ناترازی‌های بانکی موجود، منجر به برون‌ریزی و ظاهر شدن بخشی از ابعاد آن گردید.

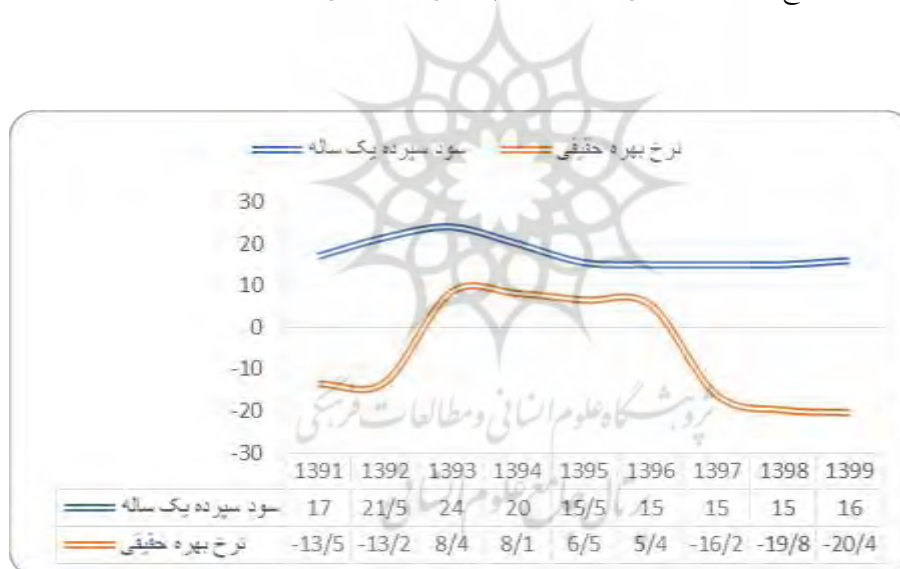
۲-۲-۴. سیاست‌های پولی دولت یازدهم

با روی کار آمدن دولت یازدهم، تمرکز سیاست‌گذار پولی برای کنترل تورم بر کنترل انتشار پول پر قدرت قرار گرفته و نرخ سود بانکی به‌نوعی از سوی بانک مرکزی رها گردید. در نتیجه دست بانک‌ها برای تعریف انواع سود از جمله سود روزشمار بر روی سپرده‌ها باز گشته و رقابت در پرداخت بهره بانکی بالاتر به‌منظور جذب منابع بیشتر با پیشروی بانک‌های خصوصی بسیار بالا گرفت (نمودار ۱۱) به‌گونه‌ای که نرخ بهره حقیقی رسمی سپرده‌های یک‌ساله برای اولین بار به ۹ درصد نزدیک شد (نمودار ۱۲) و نرخ بهره حقیقی غیررسمی ارقامی بسیار بالاتر را ثبت نمود.



نمودار ۱۱: وضعیت نرخ سود سالانه رسمی سپرده‌های بانکی در اوایل دهه ۹۰ (درصد)

منبع: داده‌های گزارش ۱۷۴۷۹ مرکز پژوهش‌های مجلس



نمودار ۱۲: وضعیت نرخ سود حقیقی سالانه رسمی سپرده‌های بانکی در دهه ۹۰ (درصد)

منبع: محاسبات مبتنی بر داده‌های بانک مرکزی

نرخ بهره حقیقی مثبت و بالا خود منجر به افزایش سرعت رشد بدهی‌های بانکی نسبت به دارایی‌ها گشته و بر حجم ناترازی نظام بانکی بیش از پیش افزود. بعلاوه منجر به افزایش رشد نقدینگی با نرخ بالای ۲۷ درصد تا سال ۹۶ گردید. هرچند به واسطه نرخ سود بالای بانکی، این رشد نقدینگی در کوتاه‌مدت خود را در قیمت‌ها نمایان نساخته و در حساب‌های

بلندمدت بانک‌ها انباشت یافت، اما با کاهش دستوری نرخ بهره به ۱۵ درصد در سال ۹۶ و تشدید تحریم‌ها پس از آن، جرقه لازم برای جریان یافتن نقدینگی انباشت‌یافته به سمت بازارهای دارایی فراهم شد تا نظام بانکی و اقتصاد ایران پس از آن وارد محدوده تورمی ۴۰ درصد و تلاطمات و بی‌ثباتی‌های متوالی گردد.

۴-۲-۳. تشدید کژکارکردی بانک‌های خصوصی و ظهور مؤسسات مالی غیرمجاز

بانک‌های خصوصی ناسالم علاوه بر تشدید مستقیم جنگ نرخ بهره، با زمینه‌سازی برای فعالیت مؤسسات و تعاونی‌های اعتباری غیرمجاز و ارائه خدمات و حمایت‌های لازم به آن‌ها، موجبات راه‌اندازی و فعالیت این بازیگران غیرمجاز را در شرایط اهمال ناظر بانکی فراهم نمودند. چرا که خود از قبل جذب منابع توسط مؤسسات مزبور (به واسطه نگهداری حساب‌های آن‌ها) نفع می‌بردند. این مؤسسات اعتباری که عمدتاً به دلیل بی‌انضباطی و مدیریت غیرحرفه‌ای، در شرایط اعسار قرار گرفتند، وارد بازی پانزی^۱ شده و برای جذب منابع لازم جهت ایفای تعهدات خود بیشترین نرخ‌های بهره را به سپرده‌گذاران پرداخت نموده و در تشدید جنگ نرخ بهره بانکی مؤثر واقع شدند. نهایتاً این مؤسسات با صرف هزینه‌های گزاف توسط بانک مرکزی ادغام یا منحل گردیدند.

۴-۲-۴. شیوع پدیده امهال مطالبات و بیش‌ارزش‌گذاری مستغلات

با افزایش قابل توجه نرخ بهره حقیقی بانکی طی سال‌های ۹۳ تا ۹۶ رشد جانب بدهی‌ها در ترازنامه بانک‌ها به علت افزایش نرخ سود پرداختی به سپرده‌ها افزایش یافت و این در حالی بود که به علت رکود اقتصادی شکل گرفته به‌ویژه در حوزه املاک و مستغلات، رشد جانب دارایی‌ها با افت مواجه گردیده بود. این مسئله منجر به تشدید شکاف دارایی-بدهی در ترازنامه نظام بانکی گردید. در این میان بانک‌هایی که با این ناترازی مواجه گردیده بودند، برای تراز نشان دادن ترازنامه خود اقدام به امهال مطالبات غیرجاری و بیش‌ارزش‌گذاری مستغلات خود نمودند و این مسئله تبدیل به امری رایج در بین بانک‌ها گردید. امهال مطالبات جاری بیشترین تأثیر را در تراز نمودن ترازنامه بانک‌ها داشت. چرا که با جاری شدن مطالبات

^۱. Ponzi Game

غیرجاری، علاوه بر افزایش سطح دارایی‌های بانک، نیاز به گرفتن ذخیره برای این مطالبات را مرتفع می‌نمود. امکان پنهان‌سازی ناترازی‌ها با این روش، خود منجر به تداوم بیش از پیش بحران و انباشت ناترازی بانکی و نهایتاً تشدید آن گردیده است.

۴-۲-۵. مدارای منفعلانه با بانک‌های ورشکسته

در کشورهایی که نظام بانکی آن‌ها در چهارچوب استانداردهای احتیاطی و نظارتی روز (از جمله بازل III و گملز^۱) فعالیت می‌کند، کوچک‌ترین نشانه از افت شاخص‌های مالی بانک (و نه لزوماً اعسار آن) با اقدام قاطع و فوری ناظر بانکی و توقف^۲ فعالیت بانک تا تعیین تکلیف شدن مشکلات آن مواجه می‌گردد. چرا که این ادراک که خروج یک بانک از چهارچوب استانداردهای احتیاطی می‌تواند کل نظام بانکی را در معرض ریسک قرار دهد، به‌خوبی شکل گرفته است. این در حالی است که در اقتصاد ایران هنوز این ادراک و ترتیبات نهادی لازم برای آن (از جمله ناظر بانکی مستقل) هنوز شکل نگرفته و یا برخی تعارضات منافع مانع از تحقق آن شده است. در شرایطی که شاخص‌های مالی برخی بانک‌ها حتی در آغاز دهه ۹۰ از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده و در طول این دهه نیز بر تعداد این بانک‌ها و عمق اعسار افزوده شد، بانک مرکزی به‌جای ایفای نقش نظارت قاطع خود، تنها نظاره‌گر این شرایط بوده و از جایگاه بایسته خود در امر نظارت به‌شدت فاصله داشته است. طبیعتاً تداوم فعالیت بانک‌های ناسالم و عمیقاً معسر و افزوده شدن به تعداد آن‌ها به‌ویژه تا نیمه دهه ۹۰، اجازه اصلاح نظام بانکی را نداده و نخواهد داد. تجربه کشورهایی نظیر ژاپن در مواجهه با بحران بانکی و بانک‌های ورشکسته در ابتدای دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد مدارای با این بانک‌ها نه تنها مشکل ترازنامه آن‌ها را حل ننمود، بلکه به تخصیص منابع و مدیریت ریسک در نظام بانکی آسیب زده و هزینه جراحی اساسی آن را بالا برد و در نهایت در سال ۱۹۹۷ این کشور را با بحرانی فراگیر در کل نظام بانکی مواجه نمود.

1. Camels

2. Take over

۴-۲-۶. بدهی دولت به نظام بانکی و تسهیلات تکلیفی

در تحلیل علل بروز بحران بانکی، بعضاً از بدهی دولت به شبکه بانکی و تسهیلات تکلیفی به عنوان عواملی مهم یاد می‌شود. در حالی که بر اساس آنچه در تبیین عوامل اصلی ایجاد بحران بانکی ذکر شد، بدهی‌های دولت به نظام بانکی و تسهیلات تکلیفی در زمره این عوامل قرار نمی‌گیرد؛ اما در خصوص اینکه آیا می‌توان آن‌ها را عاملی در جهت تشدید بحران بانکی دانست، با توجه به اینکه اولاً، بدهی دولت و شرکت‌های دولتی عمدتاً به بانک‌های دولتی و شبه دولتی اختصاص داشته و نه بانک‌های خصوصی که بازیگران اصلی در ایجاد و تشدید بحران بودند؛ ثانیاً، حجم بدهی دولت به نظام بانکی در مقایسه با بدهی بخش خصوصی بسیار کمتر است؛ ثالثاً، نسبت بدهی دولت به کل دارایی‌های نظام بانکی در طول دوره تشدید بحران افزایش قابل توجهی نیافته و تنها از محدوده ۵/۵ درصد در ابتدای دهه ۹۰ به محدوده ۶/۵ درصد در نیمه این دهه رسیده است (نمودار ۱۳) و رابعاً، نسبت تسهیلات تکلیفی به کل تسهیلات نظام بانکی نیز در دوره مزبور بسیار ناچیز بوده است، در نتیجه مسئله بدهی‌های دولت به بانک‌ها و تسهیلات تکلیفی را باید به عنوان عاملی جانبی و نه تعیین‌کننده در تشدید بحران بانکی در نیمه اول دهه ۹۰ دانست.

البته این تحلیل صرفاً مربوط به ارزیابی اثر مستقیم مصادیقی از سلطه مالی دولت بر نظام بانکی است. با در نظر گرفتن اینکه یکی از عوامل اثرگذار بر عدم انضباط بخشی و اصلاح نظام بانکی در ادوار گذشته، ذی‌نفع بودن دولت و سهولت دسترسی بودجه عمومی و مجموعه‌های دولتی به منابع بانکی است، سلطه مالی دولت بر نظام بانکی را می‌توان به عنوان عاملی غیرمستقیم در شکل‌گیری و تشدید بحران بانکی قلمداد نمود.



نمودار ۱۳: سهم بدهی‌های دولت به تسهیلات و کل دارایی‌های نظام بانکی در نیمه اول دهه ۹۰

منبع: گزارش ۱۷۴۷۹ مرکز پژوهش‌های مجلس

۷-۲-۴. سیاست تثبیت نرخ ارز

یکی از اشکالات بنیادین در اقتصاد کلان ایران، سیاست‌پذیر انگاشتن هم‌زمان بازار پول و بازار ارز^۱ و در نتیجه آن، تداخل بین سیاست‌های ارزی با سیاست‌های پولی است. توضیح آنکه با توجه به وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از نفت، دولت‌ها همواره از یک طرف برای کنترل تورم در کوتاه‌مدت به دنبال تثبیت نرخ ارز با تکیه بر این درآمدها بوده و از طرف دیگر با توجه به بودجه‌ریزی ناکارآمد و پرهزینه خود، نگاهی بودجه‌ای به منابع نظام بانکی داشته و تمایل به بهره‌برداری حداکثری از آن داشته‌اند.^۲ مدیریت هر دو حوزه هم علی‌الظاهر به عهده بانک مرکزی گذاشته شده، هرچند در نهایت این رأس دولت بوده که در خصوص موضوعات کلیدی (از جمله نرخ ارز، نرخ بهره و تخصیص بخشی از منابع) اعمال نظر می‌کرده است. از طرفی با توجه به ماهیت پارادوکسی دو سیاست فوق، انتظار تحقق هم‌زمان آن‌ها منطقی نمی‌باشد. چرا که نه دولت همواره از ذخایر ارزی نامحدود برای سرکوب نرخ ارز برخوردار است و نه کنترل تورم با وجود بی‌انضباطی پولی ناشی از آن و جهش‌های دوره‌ای نرخ ارز معنادار خواهد بود. به بیان ساده‌تر اگر بنا بر سیاست‌گذاری

^۱ منظور در شرایط تمایل بر حفظ ارزش پول ملی است.

^۲ ولو اینکه در کلام ادعایی جز این را مطرح نموده‌اند

مستقل پولی است، باید اجازه داد شاخص‌های ارزی خود را نسبت به آن تعدیل نمایند و اگر بنا بر کنترل شاخص‌های ارزی است، سیاست‌گذاری پولی مستقل امکان‌پذیر نخواهد بود.^۱

آنچه در عرصه سیاست‌گذاری پولی و ارزی دهه ۸۰ و نیمه اول دهه ۹۰ روی داد، عملاً تکرار رویکرد پارادوکسیکال فوق بوده که منجر به دو جهش ارزی در سال‌های ۹۱ و ۹۷ گردید؛ اما در خصوص اینکه تأثیر این تداخل سیاستی بر بحران بانکی چه بوده، باید گفت این تداخل سیاستی حداقل دو اتفاق مهم را در عرصه اقتصاد کلان کشور رقم زد: اولاً، منجر به سرکوب نرخ ارز در دوران بهبود ذخایر ارزی و انتظارات و نهایتاً آزاد شدن نیروهای سرکوب‌شده در دوران افت ذخایر ارزی و انتظارات گردید درحالی‌که تعدیل ملایم و منطقی نرخ ارز (چه در نیمه دوم دهه ۸۰ و چه در نیمه اول دهه ۹۰) می‌توانست از ایجاد چرخه مخرب رونق و رکود و به تبع آن، تعمیق شکاف دارایی- بدهی بانکی جلوگیری نماید؛ ثانیاً، با درگیر کردن بانک مرکزی با موضوعات پرچالش و پرریسک سیاست‌گذاری ارزی، عملاً توان و استقلال عملیاتی کافی برای تمرکز بر روی سیاست‌گذاری پولی و نظارت بانکی را از آن سلب نمود که خود از عوامل اصلی بروز بحران بانکی و تشدید آن بوده است. از این منظر درک نسبت مسائل دو حوزه پولی و ارزی، در تنظیمات و سیاست‌گذاری دقیق هر یک از این دو حوزه بسیار کلیدی می‌باشد.

۴-۲-۸. خلا نظام حقوقی- قضایی تخصصی ناظر به موضوعات نظام بانکی

یکی از زیرساخت‌ها و ابزارهای کلیدی برای ایجاد ساختاری مترقی در حوزه پولی و بانکی کشور، برخورداری از ترتیبات و تنظیمات حقوقی، نهادی و قضایی چابک، کارآمد و تخصصی است. به‌عنوان نمونه وجود یک قانون ورشکستگی کارآمد و منطبق با اصول و اقتضائات فعالیت بانکداری که چهارچوب و رویه‌های رسیدگی فوری و قاطع به بانک‌های معسر و ناسالم را به‌خوبی تأمین نموده باشد، امری حیاتی به‌ویژه در مدیریت بحران بانکی به شمار می‌آید که متأسفانه در ایران هنوز شکل نگرفته است. نمونه مهم دیگر، ضرورت وجود ترتیبات و رویه‌های قضایی تخصصی و چابک در رسیدگی به دعاوی و تعیین تکلیف دقیق و فوری اموال و دارایی‌های بانکی در جریان انحلال، ادغام یا رسیدگی به مفاسد بانکی است.

^۱ این نکته با لحاظ این مطلب است که عموماً تحرک سرمایه به خارج و داخل یک کشور ولو به‌صورت ناقص باز است.

یکی از علل عدم حل و فصل مسائل مهم بانکی که منجر به بروز بحران در دهه ۸۰ و تشدید آن در دهه ۹۰ گردید، خلأ زیرساخت‌های حقوقی- قضایی لازم بوده که باعث شده حل و فصل بسیاری از موضوعات حقوقی نظام بانکی به شدت دشوار و زمان‌بر گردد و مقام ناظر بانکی را از ورود به آن منصرف نماید. این خلأ زیرساختی ضمناً منجر به ایجاد حاشیه امنیتی برای سوءاستفاده‌گران می‌شود تا زمان و امکان لازم برای جلوگیری از به نتیجه رسیدن روند رسیدگی قضایی به تخلفات مالی مختلف را بیابند.

۹-۲-۴. ضعف در اجرای اصول حاکمیت شرکتی مختص بانک‌ها

بانک در درجه اول یک شرکت تجاری است که باید واجد زیست‌بوم و عملکرد تجاری و اقتصادی باشد. از جمله شاخصه‌های این موضوع، ضرورت توجه حداکثری به منافع سهامداران و مالکان شرکت است و نه افراد خارج از آن. از این منظر انتخاب تیم مدیریتی و کارکنان آن باید صرفاً با معیار توانمندی حداکثری در تأمین هدف فوق و نه رابطه یا سفارش صورت گیرد. بعلاوه مبنای جبران خدمات و پاداش کارکنان و مدیران صرفاً باید مبتنی بر توانمندی واقعی ایشان و میزان مؤثر بودن در کسب نتایج لازم باشد تا سودآوری شرکت به خطر نیفتد. تمامی استانداردها و اصول احتیاطی لازم در فرایند تجهیز و تخصیص منابع نیز برای جلوگیری از هرگونه ریسک نامتعارف مورد توجه قرار می‌گیرد. چرا که در صورت مواجهه با زیان و عدم امکان جبران آن، هیچ رانت و نیروی خارجی نجات‌بخشی (نظیر بانک مرکزی) وجود نخواهد داشت و ورشکستگی و انحلال، سرنوشت محتوم شرکت خواهد بود. با توجه به تفاوت ماهوی بانک‌ها به دلیل قدرت مهم خلق پول که در اختیار آنهاست، تنها در این صورت است که بانک همچون سایر شرکت‌ها در مسیری معقول و سالم حرکت نموده و به فعالیت‌هایی روی نمی‌آورد که هزینه‌هایی سنگین را بر اقتصاد و جامعه بار نماید. عدم توجه به این مسئله در دو دهه اخیر موجب عدم تعریف اصول حاکمیت شرکتی مختص بانک‌ها و عدم پایبندی بانک‌ها بر آن و نهایتاً شکل‌گیری و تشدید بحران ناترازی بانکی به واسطه بروز رفتارهای پرریسک از ناحیه آن‌ها شده است.

۵. جمع‌بندی و ارائه دلالت‌های سیاستی

نظام بانکی ایران در دهه ۹۰ با انواع ناترازی‌ها و در رأس آن ناترازی عمیق دارایی- بدهی مواجه گردید. مبتنی بر نتایج مطالعه حاضر، حداقل از نیمه این دهه شبکه بانکی با محوریت بانک‌های خصوصی عملاً معسر گشته و تا پایان دهه مزبور موجودی سرمایه آن به ۱۶/۵- همت رسیده است. در پایان دهه ۹۰ از مجموع ۲۸ بانک فعال در نظام بانکی، ۱۴ بانک با زیان انباشته مواجه گردیده و خالص کل زیان انباشته رقم ۲۷۰ همت را ثبت نموده است. بر اساس نتایج برآوردهای این مطالعه، حجم تسهیلات امهالی بانک‌ها در اسفند ۱۴۰۰ حداقل ۸۹۰ همت بوده و حجم کل دارایی‌های موهومی نیز از ۱۵۶۰ همت تجاوز نموده است. نهایتاً حجم کل ناترازی بانک‌ها (متشکل از مجموع ناترازی‌های پنهان و آشکار بعلاوه سرمایه لازم برای تأمین حداقل کفایت سرمایه) با فرض اعمال کفایت سرمایه ۸ درصد، از حدود ۶۰۰ همت در پایان ۹۵ به ۹۲۱ همت در پایان ۹۷ و ۲۲۲۲/۵ همت در پایان ۱۴۰۰ رسیده است.

از مجموع مباحث و توضیحاتی که در شرح علل بسترساز و تشدیدکننده بحران ناترازی بانکی در دهه ۹۰ ارائه شد، چنین برمی‌آید که برای مواجهه صحیح با این بحران عمیق و ذو ابعاد لازم است نکاتی مورد توجه قرار گیرد:

❖ با توجه به روشن بودن موتور تولید زیان در نظام بانکی، در مرتبه نخست لازم است روند ازدیاد زیان را متوقف نمود. برای این منظور لازم است ابتدا بانک‌های ناسالمی که در وضعیت اعسار عمیق و تولید مداوم زیان قرار دارند، در اسرع وقت متوقف و در صورت غیرقابل احیا بودن، منحل گردند؛

❖ سپس باید زیان انباشته موجود را با اولویت بانک‌های معسر و انحلالی تعیین تکلیف نمود که اولاً، مستلزم دسترسی به داده‌های واقعی صورت‌های مالی بانک‌ها و محاسبه زیان واقعی آن‌ها است. فارغ از تکنیک‌های مختلفی که برای این منظور می‌توان به کار گرفت، تعیین رویه‌های تخصصی و چابک قضایی برای حل و فصل فوری موضوعات بی‌شمار حقوقی که در گام‌های اول و دوم مطرح است، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؛

❖ اقدامات مذکور به طور قطع آن‌گونه که باید از عهده بانک مرکزی فعلی بر نخواهد آمد. چرا که مستلزم حضور مقام ناظر مقتدر، مستقل، متمرکز و مصمم برای اجرای این کلان‌پروژه اصلاح اقتصادی است. بر اساس تجارب کشورهای مختلف و نیز

مطالعات معتبر^۱، در کشورهایی که ساختارهای نهادی ضعیفی دارند و نتوانسته‌اند استقلال ناظر بانکی از اشخاص تحت نظارت را تأمین کنند، استفاده از ناظر بانکی مستقل در کنار نظارت بانک مرکزی، باعث بهبود ثبات اقتصادی و سلامت نظام بانکی شده است. از این رو استقرار مقام ناظر بانکی مقتدر حیاتی می‌نماید؛

❖ خروج بازیگران بد از نظام بانکی و حل و فصل زیان انباشته موجود، زمینه لازم را برای بازنگری لازم در نظام حکمرانی پولی و بانکی کشور برای قرار دادن بانک‌ها در مسیری سالم، حرفه‌ای و اثربخش در اقتصاد فراهم می‌کند. از جمله اقدامات حیاتی برای این منظور عبارت است از: ایجاد استقلال عملیاتی لازم برای سیاست‌گذار پولی، رفع تداخل سیاست پولی و سیاست ارزی (اصلاح نظام ارزی)، رفع سلطه مالی دولت (اصلاح نظام بودجه‌ریزی عمومی)، ایجاد نظام حقوقی، قضایی، انتظامی، چابک و مختص نظام بانکی، به‌روزرسانی نظامات حسابداری، حسابرسی، اعتبارسنجی و استانداردسازی تسهیلات بانکی و در نهایت بازآرایی نظام بانکی از منظر تعداد و سایز بانک‌ها، انواع بانک‌ها، دولتی و خصوصی بودن بانک‌ها و الزامات بانکداری اسلامی.

❖ تا پیش از درک و جدیت حاکمیت نسبت به ابعاد این بحران و جمع‌بندی کلان‌پروژه اصلاح اقتصاد کلان و نظام بانکی در سطوح بالای تصمیم‌گیری کشور و آغاز اقدامات اصلاحی مربوطه، پرداختن به هرگونه تغییرات فراگیر قانونی در این زمینه قابل توصیه نیست. چرا که اولاً هیچ یک از کشورهایی که با بحران بانکی مواجه شده‌اند، اصلاحات خود را ابتدا با تغییرات فراگیر در قوانین بانکی آغاز ننموده‌اند؛ ثانیاً، هرگونه تغییر در قوانین بانکی کشور الزاماً باید متناظر با مجوزهای قانونی موردنیاز کلان‌پروژه اصلاحاتی مذکور صورت گیرد که بعضاً جزئیات آن در طول اجرای پروژه فهم می‌گردد؛ ثالثاً، شروع از تغییرات فراگیر در قوانین بانکی قبل از جا افتادن مسئله در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری عملیاتی در حاکمیت، علاوه بر عدم پختگی کافی در احکام جدید، تمرکز حاکمیت و بانک مرکزی را تا مدت‌ها از پروژه اصلی دور نموده و صرف حواشی مربوط به تغییرات قوانین، بدون چشم‌اندازی

^۱. نظیر مقاله سال ۲۰۱۹ بانک مرکزی انگلستان که در آن رابطه آماری میان «ریسک مسلط شدن اشخاص تحت نظارت بر مقام ناظر بانکی» و «موقوفات بانکی» برای ۱۱۶ کشور بررسی شده است.

مشخص می‌نماید. در نهایت پیش‌بینی می‌شود قرار گرفتن موضوع اصلاح نظام بانکی در چنین مسیری (تغییر یکجا در کلیه قوانین بانکی در بدو امر) ضمن به تعویق انداختن حل مسئله اصلی، به بغرنج‌تر و پیچیده‌تر شدن آن در آینده می‌انجامد.



فهرست منابع

- پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷). *اصلاحات ساختاری برای ثبات مالی؛ چکیده سیاستی بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی*.
- چنارانی، حسن؛ یاور، کاظم؛ حیدری، حسن؛ شریف‌زاده، محمدجواد (۱۴۰۲). *اثر بحران بانکی (ناترازی) بر متغیرهای کلان اقتصادی در چهارچوب مدل تعادل عمومی پویای تصادفی؛ فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، دوره ۱۲، شماره ۴۶*.
- خاکسار آستانه، سمانه؛ گوهر رستمی، مهدی (۱۴۰۲). *بررسی تأثیر کفایت سرمایه بر شاخص کارایی اقتصادی بانک‌های دولتی در ایران؛ مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی، صفحات ۱-۲۴*.
- دادگر، یدالله؛ نظری، روح‌الله (۱۳۹۴). *تحلیل نقش سیاست‌های پولی بانک مرکزی در اقتصاد ملی؛ دوفصلنامه علمی- تخصصی پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، سال چهارم، شماره ۱*.
- رسولی، سعید؛ مجیدی، مجتبی (۱۳۹۴). *تحلیلی بر دلایل شکل‌گیری معوقات بانکی و راهکارهای پیش رو؛ فصلنامه دانش ارزیابی، سال هفتم، شماره ۲۵*.
- شاهچرا، مهشید؛ طاهری، ماندانا (۱۳۹۶). *خلق نقدینگی و الزامات نقدینگی بال ۳ در شبکه بانکی کشور؛ فصلنامه روند، سال بیست و چهارم، شماره ۷۷*.
- شریف‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۴). *معمای نرخ سود بانکی: کالبدشکافی بحران ناترازی در برخی نهادهای مالی مجاز، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی*.
- شریف‌زاده، محمدجواد؛ کیایی، حسن (۱۳۹۷). *گزارش محرمانه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی*.
- صادقی، سمیه (۱۴۰۱). *تأثیر خلق نقدینگی بر ریسک سیستمی بانک‌ها در ایران با تمرکز بر ساختار ترانزنامه‌ای؛ مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۱۶، شماره ۶۰*.
- صورت‌های مالی و گزارشات عملکرد بانک‌ها
- گزارش اندیشکده مسیر اقتصاد (۱۳۹۶). *رتبه‌بندی بانک‌ها بر اساس شاخص‌های مالی (۱)؛ شناسه ۲۵۱۳۹*.
- گزارش پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی (۱۳۹۲). *ارزیابی شاخص‌های سلامت بانکی در بانک‌های ایران (۱۳۹۱-۱۳۹۰)*.

- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶)، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۵۵۱۴.
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰). ناترازی پنهان در شبکه بانکی ایران (۱۳۹۳-۱۳۹۶): تحلیل چیرستی و ریشه‌ها؛ دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۷۴۷۹.

- گزیده آمارهای اقتصادی بانک مرکزی

- Ari, A, Chen, S. and Ratnovski, L. (2021), The dynamics of non-performing loans during banking crises: A new database with post-COVID-19 implications, Journal of Banking & Finance, Vol. 133.
- Aggarwal, R. & Jacques, K.T. (2001). The impact of FDICIA and prompt corrective action on bank capital and risk: Estimates using a simultaneous equations model. Journal of Banking and Finance, 25(6), 1139-1160.
- Chaudron, Raymond and de Haan, Jakob (2014), Identifying and Dating Systemic Banking Crises Using Incidence and Size of Bank Failures, DNB Working Paper No. 406.
- Craig, S. (2004), Macroeconomic and Financial Stability, MFD internal seminar, IMF.
- Diemer, M. and Vollmer, U. (2015), What makes banking crisis resolution difficult? Lessons from Japan and the Nordic Countries, Eurasian Economic Review, 5(2): 251-277.
- Ergungor, O. Emre and Thomson, James B. (2005), Systemic Banking Crises, Federal Reserve Bank of Cleveland, Policy Discussion Papers.
- Fraccaroli, N. (2019), Supervisory governance, capture and non-performing loans, Bank of England, Staff Working Paper No. 820.
- Jackson, Andrew and Dyson, Ben (2012), Modernizing Money: Why our Monetary System Is Broken, and How it Can Be Fixed, Positive Money.
- Laeven, L. and Valencia, F. (2010), Resolution of Banking Crises: The Good, the Bad and the Ugly, Washington: International Monetary Fund.
- Laeven, L. and Valencia, F. (2012), Systemic Banking Crises Database: An Update, Washington: International Monetary Fund.
- Laeven, L. and Valencia, F. (2018), Systemic Banking Crises Database: An Update, Washington: International Monetary Fund.
- Valencia, Fabian and Laeven, Luc (2013), Systemic Banking Crises Database, IMF Economic Review, Vol. 61, Issue 2
- <https://www.worldbank.org/en/publication/gfdr/background/banking-crisis>
- <https://www.cbi.ir/showitem/29995.aspx>
- www.mizanonline.ir/fa/news/234935/
- <https://www.eghtesadonline.com/00196T>
- <https://kayhan.ir/00005Z>
- WWW.CODAL.IR